عنوان مقاله: شمه ای از پیشینه امور باستان شناسی در ایران

فعالیت‏های دیگر انجمن آثار ملی:

از سال 1334 خورشیدی(2514 شاهنشاهی)که شادروان‏ سپهبد فرج اله آق‏اولی بریاست هیئت مدیره انجمن آثار ملی برگزیده‏ شد به موازات پیشرفتهای همه‏جانبه کشور فعالیت و کوشش‏ بیشتری هم در راه هدفهای انجمن آثار ملی بکار رفت بطوریکه‏ ظرف مدت 20 سال ساختمان 15 آرامگاه را با تمام رسانیده و 10 آرامگاه در دست ساختمان دارد که امید میرود بزودی بنای آنها نیز پایان پذیرد.

آرامگاههائیکه تاکنون انجمن آثار ملی ساخته است و ساختمان‏ آنها پایان پذیرفته عبارتند از:

آرامگاه فردوسی در طوس-آرامگاه بو علی سینا در همدان-آرامگاه‏ خیام در نیشابور-آرامگاه شیخ عطار در نیشابور-آرامگاه کمال‏ الملک در نیشابور-آرامگاه نادر شاه افشار در مشهد-آرامگاه شیخ‏ سعدی در شیراز-آرامگاه باب طاهر در همدان-آرامگاه صائب‏ تبریزی در اصفهان-آرامگاه شیخ روزبهان در شیراز-آرامگاه‏ شاه شجاع در شیراز-آرامگاه کاشفی واعظ در سبزوار-آرامگاه‏ کمال خجندی و کمال الدین بهزاد(در محل معروف بنام باغ کمال) در تبریز.

آنچه در دست ساختمان دارد و هنوز بنای آنها به اتمام نرسیده‏ عبارتست از:

بنای یادبود مقبرة الشعرا در تبریز-آرامگاه ابن یمین در فرومد خراسان-آرامگاه نزاری قهستانی در بیرجند-آرامگاه‏ میر رضی الدین ارتیمانی در تویسرکان-تعمیر و اصلاح آرامگاه‏ حاج ملا هادی اسرار(سبزواری)در سبزوار-آرامگاه عبد اله خفیف‏ در شیراز-آرامگاه سیبویه در شیراز-آرامگاه اوحدی مراغه‏ای در مراغه-آرامگاه ابو الحسین بیهقی در ششتمد سبزوار.

آرامگاه حکیم عمر خیام نیشابوری

قبر حکیم عمر خیام در کنار بقعهء امامزاده محروق قرار داشت. همزمان با نخستین افتتاح آرامگاه فردوسی سنگی بر قبر آن حکیم‏ نصب گردید.اعلیحضرت رضا شاه کبیر از حقارت وضع آن اظهار عدم رضایت فرمودند.در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد رضا شاه‏ آریامهر بامر و دستور همایونی انجمن آثار ملی بکار ساختمان‏ آرامگاهی شایسته برای آن دانشمند بلندمرتبت دست زد.

() آرامگاه حکیم عمر خیام در نیشابور

چون در جوار بقعهء امامزاده محروق انجام چنین امری مقدور نبود قسمتی از باغ برای این آرامگاه اختصاص یافت و در سال 2519 شاهنشاهی در ضلع شمال شرقی آن با طرح و نقشهء آقای مهندس‏ هوشنگ سیحون آرامگاه مجللی شروع و اجرای ساختمان را شرکت کاژت بر عهده گرفت و نظارت آنرا آقای مهندس فروغی و آقای‏ حسین جودت عهده‏دار شدند.در سال 2522 شاهنشاهی ساختمان‏ آن پایان پذیرفت.

علاوه بر آرامگاه چندین اتاق جهت مسافرین و محلی برای‏ کتابخانه و سالنی جهت پذیرائی ساخته شد.

پس از خاتمهء کار ساختمان،تشریفات گشایش آن فراهم‏ گردید و در فروردین ماه سال 2522 شاهنشاهی اعلیحضرت همایون‏ محمد رضا شاه آویامهر بدست مبارک آنرا گشودند.بموازات‏ پیشرفت کار ساختمان چاه عمیقی جهت تأمین آب محوطه آرامگاه‏ حفر شد و بولواری نیز بین خیام و عطار به هزینهء انجمن ساخته و آراسته گردید.22

(22)-خطابهء افتتاحیه آرامگاه حکیم عمر خیام و بقعهء شیخ فرید الدین عطار و ابنیهء تابعهء آنها(که بوسیلهء تیمسار سپهبد آق‏اولی رئیس هیئت مدیرهء انجمن‏ آثار ملی هنگام افتتاح آرامگاه حکیم عمر خیام ایراد شده است).

اعلیحضرتا:

خاطر مبارک ذات همایونی بخوبی آگاهست که از دیرزمان مرتبهء بلند حکیم‏ حجة الحق عمر خیام نیشابوری در علم فلسفه و ادب بر جهانیان معلوم گردیده‏ نام این فرزند برومند ایران مخصوصا از حدود صد سال پیش باین طرف در اقطار جهان پیچیده است و ترجمه‏های شیوای افکار نغز و رباعیات معروفش،بزبانهای‏ مختلف،روشنی‏بخش عالم دانش و معنویت دنیای خاکی میباشد.

بزرگداشت مقام ارجمند حکیم نیز همواره مورد علاقهء خاطر خطیر شاهانه‏ بوده فرمان بانجام هرگونه اقدامی در خور این منظور فرموده و می‏فرمایند و از جمله کارهائی که در این باره ضرورت قطعی داشت احداث آرامگاه آبرومندی‏ بر تربت این نابغهء علم و ادب ایران بود که چشم مردم دانشمند و میهن‏پرست ایران‏ و روشن‏بینان جهان از دیرباز انتظار انجام یافتن آنرا داشت.

هرچند در سال 1313 شمسی هنگام برگزاری جشن هزارهء حکیم ابو القاسم‏ فردوسی ستون سنگی سفیدی در وسط صفهء کوچک سنگی بر مزار حکیم عمر خیام ساخته شد لکن از همان هنگام احداث بنای مستقلی در خور مقام بلند حکیم‏ مورد نظر و علاقه بود و انجمن آثار ملی در چند سال اخیر ضمن انجام خدمات‏ محوله در خطهء خراسان نسبت بساختمان چنین آرامگاهی اهتمام ورزید و اینک‏ جای کمال خوشوقتی است که این خدمت اساسی در راه بزرگداشت یکی از اختران- ق-تابناک جهان دانش و فرهنگ که در سرزمین عزیز ایران در خطهء نیشابور بدنیا آمده و همین جا در خاک غنوده است بفرمان شاهنشاه معظم خردپرور جامهء عمل‏ پوشیده است.

برای احداث بنای آرامگاه جدید خیام از آنچه در کتاب نظامی عروضی‏ مذکور افتاده است الهام گرفته شد آنجا که از قول حکیم مینویسد:«گور من‏ در موضعی باشد که هر بهاری شمال بر من گل‏افشان میکند.»

بطوری‏که از نظر مبارک شاهانه میگذرد گنبدی به سبک عهد سلجوقی یعنی‏ شبیه آثار معاصر با دوران زندگی خیام با ابداعات و تصرفاتی در خور فنون معماری‏ و پیشرفتهای حاصل در هنر ساختمانی امروز ایران بنیاد گردیده و تزئینات‏ کاشی‏کاری حاوی رباعیات خیام و طرح‏های اصیل ایرانی در خارج و داخل آن‏ جلوه‏گر میباشد و اطراف محوطهء بیرون گنبد نیز آب‏نماهای مخصوص هرمی‏شکل‏ از تخته‏سنگ‏های خارای سترک تعبیه گردیده است و مجموعا بنای آرامگاه‏ نمودار مختصری از نکات هندسی و ریاضی که مقام عمر خیام در این رشته دانش‏ معروف جهانیان است بشمار میرود.

برای اینکه بنای آرامگاه خیام تغییری در منظر و وضع تاریخی بقعهء امامزاده محمد محروق وارد نیاورد پس از بررسی کامل محل مناسبی در ضلع‏ شرقی باغ که با سوابق تاریخی و گفتهء حکیم نیز بهتر مطابقت مینماید جهت‏ احداث بنای کنونی انتخاب گردید و ابنیهء تابعه مربوط بچنین آرامگاهی مشتمل‏ بر موزه و کتابخانه و دفتر و مهمانسرا با احتیاجاتی در خور آنها در جانب شمالی‏ ساخته و پرداخته شد.

ضمنا بقعهء شیخ فرید الدین عطار نیشابوری عارف و سرایندهء معروف قرن‏ ششم و هفتم هجری که از قرار معلوم صد سال پس از حکیم عمر خیام بدست مغولان‏ خونخوار شربت شهادت نوشیده است و بمسافت یک کیلومتر و نیمی مغرب‏ آرامگاه خیام قرار دارد تکمیل شد و بصورت مناسب کاشی‏کاری و تزئین گردید و باغ آن توسعه یافت و با احداث حوض و نهر آب و ساختمان بنای دفتر و کتابخانه‏ بوضعی بهتر و مناسب‏تر درآمد.

آرامگاه شادروان محمد غفاری-کمال الملک-نیز که در کنار باغ آرامگاه‏ شیخ فرید الدین عطار واقع بود و بر اثر توسعهء باغ در وسط فضای آن قرار گرفت از نظر دور نماند و بنائی مناسب با عهد و زمان زندگی و عوالم هنری آن‏ فقید که مزین به کاشی‏کاری‏های شیوا و ظریف است بر مزار استاد عالیقدر ساخته‏ و نقش برجستهء نیم‏تنهء سنگی وی کار استاد ابو الحسن صدیقی از شاگردان‏ استاد بسفارش انجمن آثار ملی بر سنگ مزار وی نصب گردید.

برای تأمین رفت‏وآمد از شهر نیشابور به آرامگاه خیام و از آنجا به تربت‏ عطار خیابان اسفالتهء مشجری مجموعا بطول سه کیلومتر که از شاهراه نیشابور مشهد بطرف آرامگاه خیام منشعب گشته از آنجا به بقعهء عطار امتداد می‏یابد ساخته شد و پل‏های متعدد و آبروهای لازم در مسیر خیابان احداث گردید و- ق-با حفر چاه عمیق و بکار گذاشتن موتورهای برق و نصب پایه‏های فلزی و لوله‏کشی آب و کابل‏کشی برق و اقدامات ضروری دیگر مربوط به چنین‏ خدمتی ترتیب تأمین آب و برق خیابان و باغ‏های آرامگاه و ابنیهء مزبور داده‏ شده است.

توأم با این اقدامات همانطور که در مورد جشن هزارهء شیخ الرئیس‏ ابو علی سینا بسال 1333 و نسبت به بزرگداشت نادر شاه افشار و احداث آرامگاه‏ وی در حال حاضر عمل شده است کتب و نشریات مربوط به حکیم عمر خیام و شیخ‏ فرید الدین عطار بوسیلهء دانشمندان و محققین ذی فن بسفارش انجمن آثار ملی‏ تدوین و چاپ و منتشر گشت که نسخه‏های آن قبلا از عرض پیشگاه مبارک شاهنشاه‏ فرهنگ دوست و دانش‏پرور گذشته است.

ارقام تقریبی هزینه‏های خدمات مورد ذکر بشرحی است که از شرفعرض‏ پیشگاه همایونی میگذراند:

1-هزینهء بنای آرامگاه خیام و ابنیهء تابعهء آن از موزه و کتابخانه و شبکهء برق و لوله‏کشی و منبع آن و غیره 250،453،66 ریال

2-هزینهء تکمیل و تزئین بقعهء عطار و توسعهء محوطه و سایر کارهای مربوط به آن و هزینهء احداث‏ آرامگاه هنرمند فقید کمال الملک 000،446،5 ریال

3-هزینهء حفر چاه عمیق و موتورهای آب و برق‏200،643،3 ریال

4-هزینهء احداث خیابان مشجر اسفالتی بطول‏ سه کیلومتر 034،058،11 ریال‏ 5-هزینهء تهیهء و طبع کتب 000،200،1 ریال‏ جمع کل 484،800،87 ریال

اگر نادر شاه افشار مظهر دلاوری و قهرمان استقلال نظامی و سیاسی ایران‏ در زمان آشفته‏ای از تاریخ این کشور باستانی بود حکیم عمر خیام عالم ریاضی و هندسه و فلسفه و درعین‏حال سرایندهء عالیقدر رباعیات نغز حکیمانهء منحصر بخود بشمار رفته است و شیخ فرید الدین عطار نیز یک قرن بعد از حکیم عمر خیام‏ عالم شهیر در منطق و از مظاهر درخشان تصوف و عرفان ایران محسوب میگردد و هر دو حکیم عالیقدر از اختران تابناک دنیای دانش و معنویت عنصر پاک ایرانی در سراسر جهان هستند.

انجمن آثار ملی مراتب سپاسگزاری خالصانهء خود را به پیشگاه مبارک‏ ملوکانه که عنایت و توجه مخصوص ذات همایونش موجد حقیقی این آثار و نگاهبان‏ فرهنگ واقعی و عمیق ایران و مفاخر ملی و آثار پرافتخار گذشتهء آنست‏ تقدیم می‏نماید و وظیفهء خود میداند تشکرات و خرسندی خود را از همکاری‏های‏ صمیمانهء مقامات مختلف ملی و دولتی خصوصا وزارتین فرهنگ و دارائی‏ و خزانه‏داریکل و ادارهء کل اوقاف و همچنین مقامات محلی و شخصیت‏های مؤثر- () آرامگاه شیخ فرید الدین عطار نیشابوری در نیشابور که‏ بوسیلهء انجمن آثار ملی‏ تعمیر و تکمیل گردیده است.

آرامگاه عطار و کمال الملک‏23

همزمان با ادامهء کار ساختمان آرامگاه خیام تعمیرات اساسی‏ ق-و علاقه‏مند نیشابور نسبت به پیشرفت خدمات محوله به انجمن دربارهء آثار مورد ذکر در این هنگام بشرفعرض مبارک برساند.

اینک از پیشگاه مبارک ملوکانه استدعا می‏نماید با تشریف‏فرمائی به بنای‏ آرامگاه حکیم عمر خیام و شیخ فرید الدین عطار اجازهء افتتاح رسمی آن را مرحمت و انجمن آثار ملی را با بذل این توجه شاهانه و عنایت ملوکانه بیش از پیش‏ شکرگزار و سپاسگزار ذات مبارک فرمایند.

(23)-شادروان محمد غفاری(کمال الملک)در آخر ماه شوال 1264 هجری‏ قمری در کاشان متولد شد و پس از تحصیلات ابتدائی در 15 سالگی به تهران‏ آمد و در مدرسهء دار الفنون به تحصیل علم پرداخت.پس از سه سال ادامهء-()

21 فروردین ماه 2522 شاهنشاهی

در بقعهء عطار و محوطه آن انجام گرفت و بر قبر کمال الملک که در محوطه عطار قرار داشت نیز آرامگاهی برپا گردید.

این دو آرامگاه نیز همزمان با آرامگاه خیام گشایش یافت.

ق-تحصیل در موقع امتحان آخر سال ناصر الدین شاه به مدرسهء دار الفنون آمد و تابلو صورت نقاشی شدهء مرحوم اعتضاد السلطنه وزیر فرهنگ وقت را که‏ کمال الملک آنرا نقاشی کرده بودید.شاه کمال الملک را به حضور پذیرفت و مورد لطف و تفقد قرار داد.و دستور فرمود طاقی در عمارت بادگیر برای کمال الملک-

آرامگاه نادر شاه افشار

قبر نادر شاه پادشاه سلحشور ایران بر اثر بی‏توجهی مردم‏ زمان در داخل محوطه‏ای قرار داشت که گاریخانه و درشکه‏خانه شده‏ بود.و وضع بسیار نامطلوبی بخود گرفته بود.

شادروان احمد قوام والی وقت خراسان در سال 1296 شمسی‏ (2476 شاهنشاهی)بساختن مقبره‏ای جهت نادر دستور داد و این‏ امر بکوشش دموکراتهای مشهد و عده‏ای از علاقمندان به نتیجه‏ رسید و بنائی بر قبر نادر ساختند و محوطه گاریخانه را تبدیل بباغی‏ کردند ولی این بنای آجری بر اثر رطوبت روبخرابی نهاد تا اینکه‏ ق-معین کنند تا در آنجا مشغول نقاشی گردد.مدت 4 سال در آنجا مشغول نقاشی شد و نقاشیهائی را که شاه دستور داد کشید آنگاه ناصر الدین شاه او را معلم نقاشی‏ خویش قرار داد و به نقاشباشی ملقب شد.در سال 1310 هجری قمری ناصر الدین شاه‏ به محمد غفاری لقب«کمال الملک»داد و کمال الملک در سال 1311 هجری قمری‏ به خرج خود برای مدت 2 سال به اروپا رفت تا از نزدیک با آثار نقاشان بزرگ‏ آشنائی پیدا کند.در سال سوم اقامتش در اروپا خبر کشته شدن ناصر الدین شاه‏ را شنید و بلافاصله به ایران آمد.در زمان مظفر الدین شاه نسبت به او بدرفتاری‏ شد و کمال الملک در سال 1321 هجری قمری شبانه با یکی از نوکرهایش بنام‏ مشهدی ناصر به بغداد رفت و چند سال در آنجا مقیم شد و در سال 1329 هجری‏ قمری بر اثر علاقه و کوشش مرحوم حکیم الملک وزیر معارف و اوقاف وقت به‏ ایران آمد و با تشویق او و یک عده از دوستانش مدرسهء صنایع مستظرفه را تأسیس کرد وعده‏ای شاگرد تربیت نمود.

در اواسط سال 1306 شمسی(2486 شاهنشاهی)به سبب دخالت آقای‏ تدین وزیر فرهنگ وقت از شادروان مستوفی الممالک نخست‏وزیر وقت تقاضای‏ بازنشستگی کرد و در اردی‏بهشت‏ماه سال 1307 شمسی(2487 شاهنشاهی) به حسین‏آباد نیشابور که ملک شخصی خویش بود رفت و برادران خود را سرپرستی کرد.مدتها کمال الملک در حسین‏آباد مقیم بود و بر اثر کسالت روز یکشنبه 27 مرداد ماه سال 1319 خورشیدی(2499 شاهنشاهی)ساعت 2 بعدازظهر در شهر نیشابور بدرود حیات گفت و در نزدیکی مقبرهء شیخ عطار مدفون گردید.

نقاشیهای شادروان استاد کمال الملک عموما جنبهء هنری دارد و نمونه‏های‏ جالبی از کارهای کمال الملک در موزهء سلطنتی کاخ گلستان و عمارت بهارستان‏ (مجلس شورای ملی)و موزهء ملی ملک موجود است.

انجمن آثار ملی بامر و دستور اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه‏ آریامهر باحداث آرامگاهی آبرومند برای این پادشاه بزرگ مامور گردید.

طرح نقشه این آرامگاه را آقای مهندس هوشنک سیحون تهیه‏ کردند و بتصویب هیئت مؤسسین رسید و در سال 2516 شاهنشاهی‏ شرکت کا.ژ.ب مأمور اجرای آن گردید و نظارت کار را آقای مهندس‏ فروغی و آقای حسین جودت بر عهده داشتند.ساختمان این آرامگاه‏ در سال 2520 شاهنشاهی پایان پذیرفت.

در این آرامگاه عمدهء مصالح سنگ خارای استخراج شده از معدن کوه سنگی میباشد.

جهت تکمیل عظمت این بنا بدستور انجمن آثار ملی آقای‏ () آرامگاه نادر شاه افشار در مشهد مقدس که روز 29 اردیبهشت ماه سال 2535 شاهنشاهی مورد بازدید شاهنشاه آریامهر قرار گرفته است.

استاد ابو الحسن صدیقی استاد هنرمند تندیس فلزی نادر را در شهر رم ساخته و به مشهد فرستادند و در محلی از بنا که جهت آن پیش‏بینی‏ شده بود نصب گردید.

مجموع مساحت محوطه این آرامگاه بالغ بر 14400 مترمربع‏ میباشد که از چهار طرف با نرده‏های آهنین محصور گشته است.

گشایش این آرامگاه در فروردین ماه سال 2522 شاهنشاهی‏ بدست اعلیحضرت محمد رضا شاه آریامهر انجام پذیرفت.24

(24)-خطابهء افتتاحیه آرامگاه نادر شاه افشار

(که بوسیلهء تیمسار سپهبد آق‏اولی رئیس هیئت مدیرهء انجمن آثار ملی در فروردین‏ ماه سال 2522 شاهنشاهی به هنگام افتتاح آرامگاه ایراد شده است)

اعلیحضرتا:

بزرگداشت مفاخر ملی ایران و تجلیل از خدمات فرزندان در گذشته این کشور کهن سال یکی از هدفهای دیرین و دائمی اعلیحضرت همایون شاهنشاه است، شهریاری که خود از عنفوان جوانی تحمل همه نوع فداکاری و از خودگذشتگی را در راه عظمت میهن و رفاه مردم نموده آبادانی کشور چند هزار ساله و آسایش‏ ملت ایران و حفظ تمامیت این سرزمین و پیشرفت مادی و معنوی ساکنین آنرا وجههء همت خویش ساخته است بیش از هر فرد دیگری خدمات مردان فداکار میهن‏ عزیز را دریافته و ارج نهاده است و همین عنایات شاهانه موجب تهییج حس غرور ملی و افزونی شوق به جانبازی و جان‏نثاری برای عظمت ایران و پاس افتخارات‏ تاریخی آنست.

برای تأمین چنین نظریاتی بود که در سالهای اولیهء سلطنت خود فرمان به- تشکیل مجدد انجمن آثار ملی که پس از برگزاری جشن هزار سالهء حکیم ابو القاسم‏ فردوسی عملا فعالیتی نداشت و در نتیجهء اوامر شاهانه احداث آرامگاه شیخ الرئیس‏ ابو علی سینا و مجسمهء او و برگزاری مراسم هزارهء آن حکیم و همچنین بنای مجدد مناسبی بر تربت شیخ سعدی و تهیهء مجسمهء وی بوسیلهء انجمن آثار ملی عملی گردید.

چند سال پیش نیز مقرر فرمودند از سردار دلاوری که ایران را در تاریکترین‏ لحظات از خطر اضمحلال و انقراض نجات بخشیده و باوج عظمت و سربلندی‏ رسانید و در این محل روی در نقاب خاک کشیده است تجلیل شایسته بعمل آید و آرامگاهی متناسب شأن و مقام وی با پیکری(مجسمه‏ای)از آن فرزند رشید میهن‏ ساخته و پرداخته گردد زیرا خوابگاه شهریاری که رفتار وی نسبت بدشمنان در عین نیرومندی و پیروزی توأم با نهایت گذشت و مهربانی بود و از طرف دیگر تاریخ‏ او را آخرین فاتح آسیا دانسته نبوغ فرماندهیش مورد ستایش شخصیت نظامی‏ مانند ناپلئون بناپارت واقع شده بود وضع نامناسب داشت که شایستهء مقام وی‏ نبود و شاهنشاه و ملت حق‏شناس و میهن‏پرست ایران روا نمیدانستند آرامگاه‏ چنان سپهسالار بدانصورت باقی بماند.-

ق-انجمن آثار ملی که مأموریت اجرای این فرمان مبارک را یافته بود پس از تهیهء طرح بنا بوسیلهء مهندس هوشنگ سیحون و طرح مجسمه بوسیله استاد ابو الحسن صدیقی و تایید شورای دانشکدهء هنرهای زیبا در دانشگاه تهران‏ چگونگی را بعرض پیشگاه مبارک رسانید و با تصویب ذات شهریاری بنیادی نهاده‏ شد که مظهر تصمیم و اراهء اعلیحضرت همایون شاهنشاه و متناسب با روح سلحشور و پایدار و شخصیت سربازی استوار نادرش شاه افشار باشد.

ساختمان آرامگاه علاوه بر قسمت مرکزی که خوابگاه ابدی شهریار نیرومند ایرانست مشتمل بر دو تالار موزه نیز هست که یکی حوزهء سلاح ادوار مختلف‏ تاریخ ایران و دیگری مختص سلاح و آثار مناسب دیگر مربوط بدوران نادر شاه‏ افشار میباشد و ضمنا فضای زیر برج پایهء مجسمه برای محل دفتر یادبود اختصاص‏ یافته بناهای جداگانه‏ای نیز برای محل پذیرائی و سکونت پاسداران و نگهبانان‏ و جایگاه موتور برق و نیازمندیهای دیگر ساخته و آماده گشته است.

توأم با ساختمان بنای آرامگاه کتب مختلف حاوی سرگذشت عبرت‏انگیز نادر شاه و تاریخهای چندی که در زمان او نگارش یافته است بوسیلهء استادان و محققین دانشمند بسفارش و هزینهء انجمن آثار ملی تألیف و چاپ گشته دورهء کامل‏ آن مشتمل بر هفت جلد از راههای مناسب در اختیار دانش‏پژوهان و علاقه‏مندان‏ گذارده شده است.

ایرانیان با آشنائی باندیشه‏های بلند و حکیمانهء شاهنشاه خود بدین حقیقت‏ پی میبرند که آنچه سبب استحکام سازمان اداری اجتماع و بقا و تعالی یک ملت و جامعه میتواند بود ایجاد حس تشویق و قدرشناسی است.

اجتماعات بشری که بدورهء کمال رسیده‏اند بهمین نکته توجه داشته‏اند که‏ ارزش خدمات افراد خدمتگزار را در دقایق حساس تاریخ حیات و زندگانی خویش‏ فراموش نکنند و حسن تشخیص خود را با بروز چنین لحظاتی ظاهر ساخته‏اند.

اکنون با سپاسگزاری از مراحم و عنایات شاهانه که موجد اصلی این خدمت‏ بوده است گزارش کار ساختمان آرامگاه و مجسمهء نادر شاه و اقدامات مربوط بآنرا بطور اختصار بشرفعرض پیشگاه مبارک میرساند:14408 مترمربع

آنچه زیربنای اصلی آرامگاه و مجسمه قرار گرفته است 55/1207 مترمربع‏ مساحتی که زیر ابنیهء تابعه بر اطاق پذیرائی

و منزل پاسداران و نگهبان و محل موتور برق واقعست 35/377 مترمربع

مجموع هزینهء کلیهء بناها و مجسمه و کتب مربوط بنادر شاه که بمناسبت احداث آرامگاه تدوین شده و بچاپ‏ رسیده است 000،300،55 ریال

وجوهی که از طرف مقامات مختلف برای تأمین مبلغ حقوق پرداخت شده‏ بشرح ذیل است:-

آرامگاه شیخ اجل سعدی شیرازی

آرامگاه دیگری که به پیروی از فرمان مطاع مبارک اعلیحضرت‏ همایون شاهنشاه آریامهر از طرف انجمن آثار ملی به ساختمان‏ آن مبادرت شد آرامگاه افصح المتکلمین شیخ اجل سعدی شیرازی‏ بود و آغاز این خدمت از محل عطیه ملوکانه صورت گرفت متعاقب‏ () آرامگاه سعدی شیرازی در شیراز که توسط انجمن‏ آثار ملی بنا گردیده است.

ق-وزارت جنگ 000،000،6 ریال

وزارت فرهنگ 000،951،11 ریال

انجمن آثار ملی خراسان از محل توزیع و فروش‏ برگهای مصور مخصوص در تمام کشور 000،180،3 ریال

عوارض مخصوص بانجمن آثار ملی که بوسیلهء بنگاه راه‏آهن‏ دولتی از مسافرین طهران مشهد و بالعکس فراهم آمده است 000،371،22 ریال

وزارت دارائی 000،798،11 ریال

اینک بنام و نمایندگی انجمن آثار ملی از پیشگاه ملوکانه استدعا میشود اجازه‏ فرمایند بنای آرامگاه افتتاح یابد و با تشریف‏فرمائی و ملاحظه خدمات انجام یافته‏ موجبات افتخار و سپاسگزاری روزافزون انجمن آثار ملی را فراهم فرمایند.

آن عوارض قند و سیمان و اعاناتی از سازمان شاهنشاهی و خدمات‏ اجتماعی ادامهء کار را تأمین نمود.

نقشهء ساختمان آرامگاه را آقایان مهندس فروغی و مهندس‏ صادق تهیه کرده‏اند و اجرای کار بشرکت مثلث واگذار گردید.

این آرامگاه در دامنه کوه و در مساحتی برابر 7700 متر مربع برپا گردیده و تالاری در جوار آن ساخته شده است که جمعا 400 مترمربع در زیربنا واقع است.

در گشایش این آرامگاه اعلیحضرت محمد رضا شاه آریامهر تشریف‏فرما شدند و هیئت مؤسسین را سرفراز و مورد عنایت عالیه‏ قرار دادند.خطابه افتتاحیه توسط جناب آقای حکمت وزیر فرهنگ‏ ایراد گردید.

() آرامگاه بابا طاهر معروف به عریان صاحب دوبیتی‏های زیبا و شاعر شیرین‏سخن در همدان که توسط انجمن آثار ملی ساخته شده است.

 () آرامگاه کاشفی واعظ سبزواری در سبزوار که توسط انجمن آثار ملی‏ ساخته شده است.این بنا در سال 2534 شاهنشاهی پایان یافته است.

() آرامگاه شیخ کبیر ابو محمد روزبهان در شیراز که توسط انجمن آثار ملی ساخته شده‏ است.

() ماکت بنای یادبود مقبرة الشعرا در محلهء سرخاب تبریز که بنای آن توسط انجمن آثار ملی ساخته‏ میشود و هنوز به پایان نرسیده است.

انجمن آثار ملی ضمن ساختن بنای یادبود و آرامگاههای شعرا و عرفا و دانشمندان بنام ایران مجسمهء برخی از بزرگان علم و ادب‏ را نیز در آرامگاههای ایشان یا در میدانهای شهرها نصب کرده است‏ و این کار به وسیلهء استاد ابو الحسن صدیقی مجسمه‏ساز معروف‏ به هزینه و سفارش انجمن آثار ملی انجام پذیرفته است.تاکنون‏ 10 مجسمه از شخصیت‏های ایرانی به سفارش انجمن آثار ملی‏ بوسیلهء استاد ابو الحسن صدیقی ساخته شده است.که عبارتند از:

مجسمهء اعلیحضرت رضا شاه کبیر در دانشگاه تهران(یک عدد)

مجسمهء فردوسی 3 عدد که یکی در آرامگاه فردوسی در طوس‏ است و دیگری در میدان فردوسی تهران و سومی در میدان فردوسی‏ در شهر رم ایتالیا.

مجسمهء خیام 2 عدد که یکی در آرامگاه خیام در نیشابور و دیگری در پردیس(پارک)فرح در تهران.

مجسمهء سعدی در شیراز(یک عدد)

مجسمهء ابن سینا در همدان(یک عدد)

مجسمهء مجموعهء بزرگ سوارهء مفرغی نادر شاه افشار که در ایتالیا بوسیلهء استاد ابو الحسن صدیقی ساخته شده و در آرامگاه‏ نادر شاه در مشهد نصب گردیده است.

مجسمهء سوارهء یعقوب لیث صفاری که در ایتالیا بوسیلهء استاد صدیقی از مفرغ ساخته میشود که پس از تکمیل و حمل آن در ایران‏ در شهر دزفول نصب خواهد شد.

به غیر از مجموعهء نادر شاه و مجسمه یعقوب لیث که از مفرغ‏ ساخته شده بقیهء مجسمه‏ها عموما از سنگ مرمر کار اریک پارچه است.

انجمن آثار ملی گذشته از فعالیتهای فوق در چاپ کتاب و مقاله‏ مربوط به هنر و ادبیات و معماری و اشاعهء علم و ادب نیز همیشه‏ پیش‏قدم بوده است و شمارهء انتشارات آن اکنون به 123 رسیده و فهرست انتشارات آن بقرار زیر است‏25

(25)-فهرست انتشارات انجمن آثار ملی

1-فهرست مختصری از آثار و ابنیهء تاریخی ایران شهریور ماه 1304

2-آثار ملی ایران(کنفرانس پروفسور هرتسفلد)مهر ماه 1304

3-شاهنامه و تاریخ(کنفرانس پروفسور هرتسلفد)شهریور ماه 1305

4-کشف دو لوح تاریخی در همدان(تحقیق پروفسور هرتسفلد-ترجمهء آقای مجتبی مینوی)اسفند ماه 1305

5-سه خطابه دربارهء آثار ملی و تاریخی ایران(از محمد علی فروغی و هرتسفلد و هانی‏بال)مهر ماه 1306

6-کشف الواح تاریخی تخت جمشید(پرفسور هرتسفلد)بهمن ماه 1312

7-کنفرانس محمد علی فروغی راجع به فردوسی بهمن ماه 1313

8-تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی(به قلم فاطمه سیاح)1313

9-تجلیل ابو علی سینا در پنجمین دورهء اجلاسیهء یونسکو در فلورانس اسفند ماه 1329

10-رسالهء جودیهء ابن سینا(به تصیح آقای دکتر محمود نجم‏آبادی)اسفند ماه 1330

11-رسالهء نبض ابن سینا(به تصحیح آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه)اسفند ماه 1330-

12-منطق دانشنامهء علائی ابن سینا(به تصحیح آقایان سید محمد مشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه)1331

13-طبیعیات دانشنامهء علائی ابن سینا(به تصحیح آقای سید محمد مشکوة)1331

14-ریاضیات دانشنامهء علائی ابن سینا(به تصحیح آقای دکتر محمد معین)1331

15-الهیات دانشنامهء علائی ابن سینا(به تصحیح آقای دکتر محمد معین)1331

16-رسالهء نفس ابن سینا(به تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)

17-رساله‏ای در حقیقت و کیفیت سلسلهء موجودات(به تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)1331

18-ترجمهء رسالهء سرگذشت ابن سینا(از آقای دکتر غلامحسین صدیقی)-

19-معراج‏نامهء ابن سینا(به تصحیح آقای دکتر غلام حسین صدیقی)-

20-رسالهء تشریح اعضاء ابن سینا(به تصحیح آقای دکتر غلام حسین صدیقی)-

21-رسالهء قراضهء طبیعیات منسوب به ابن سینا(به تصحیح آقای دکتر غلامحسین‏ صدیقی استاد دانشگاه)-

22-ظفرنامه منسوب به ابن سینا(به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)1348

23-رسالهء کنوز المعزمین ابن سینا(به تصحیح آقای جلال الدین همایی)1331

24-رسالهء معیار المقول-جرثقیل-ابن سینا(به تصحیح آقای جلال الدین همایی‏ استاد دانشگاه)1331

25-رسالهء حی بن یقطان ابن سینا با ترجمه و شرح فارسی آن از یکی از معاصران‏ ابن سینا(به تصحیح آقای هنری کربن)1331

26-جشن‏نامهء ابن سینا(مجلد اول-سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن سینا(تألیف آقای دکتر ذبیح اللّه صفا استاد دانشگاه)1331

27-ترجمهء مجلد اول جشن‏نامه به فرانسه(به وسیله آقای سعید نفیسی)1331

28-ترجمهء اشارات و تنبیهات(به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر)1322

29-پنج رسالهء فارسی و عربی از ابن سینا(به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)1322

30-آثار تاریخی کلات و سرخس(تألیف آقای مهدی بامداد)بهمن ماه 1373

31-جشن‏نامهء ابن سینا مجلد دوم(حاوی نطقهای فارسی اعضای کنگره ابن سینا)1334

32-جشن‏نامه ابن سینا مجلد سوم(کتاب المهرجان لابن سینا)حاوی نطقهای‏ عربی اعضای کنگرهء ابن سینا 1335

33-جشن‏نامهء ابن سینا مجلد چهارم(شامل خطابه‏های اعضای کنگرهء ابن سینا به زبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی)1334

34-نبردهای بزرگ نادر شاه(بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر)1339

35-جبر و مقابلهء خیام(به تصحیح و تحشیهء آقای دکتر جلال مصطفوی)1339

36-شاهنامهء نادری تألیف مولانا محمد علی فردوسی ثانی(به تصحیح و تحشیهء آقای احمد سهیلی خوانساری)1339

37-اشترنامه شیخ فرید الدین عطار(به تصحیح و تحشیهء آقای دکتر مهدی محقق)1339

38-حکیم عمر خیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب 1339

39-نادر شاه تألیف آقای دکتر رضازاده شفق استاد دانشگاه 1339-

ق-40-درهء نادره تألیف میرزا مهدی خان(با تصحیح و تحشیهء آقای دکتر سید جعفر شهیدی)1340

41-شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فرید الدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه 1340

42-خسرونامه تألیف شیخ فرید الدین عطار(به تصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)1340

43-نامه‏های طبیب نادر شاه ترجمهء آقای دکتر علی اصغر حریری(به اهتمام‏ آقای حبیب یغمائی)1340

44-دیوان غزلیات و قصائد عطار(به اهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی‏ رئیس کتابخانهء مجلس شورای ملی)1341

45-جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدی خان استرآبادی(با تصحیح و تعلیق‏ آقای سید عبد اللّه انوار)1341

46-طربخانه(رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری)تألیف یار احمد بن‏ حسین رشیدی تبریزی(با مقدمهء و تصحیح و تحشیهء آقای جلال الدین‏ همائی استاد دانشگاه)1342

47-نادرهء ایام،حکیم عمر خیام و رباعیات او به قلم آقای اسماعیل یکانی

48-اقلیم پارس(آثار باستانی و ابنیهء تاریخی فارسی)-تألیف سید محمد تقی مصطفوی 1343

49-سفارش‏نامهء انجمن آثار ملی اردی‏بهشت 1344

50-یادنامهء شادروان حسین علاء 1344

51-ذخیرهء خوارزمشاهی،تألیف زین الدین ابو ابراهیم اسماعیل جرجانی‏ سنهء 504 هجری(به اهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمد حسین‏ اعتمادی-دکتر محمد شهراد-دکتر جلال مصطفوی(کتاب نخستین)شهریور 1344

52-دیوان صائب،با حواشی و تصحیح به خط خود استاد-مقدمه و شرح‏حال‏ به خط و خامهء استاد امیری فیروزکوهی 1345

53-عرائس الجواهر و نفایس الاطایب تألیف ابو القاسم عبد اللّه کاشانی به سال‏ 700 هجری با مقدمه و کوشش آقای ایرج افشار 1345

54-ری باستان(مجلد اول)مباحث جغرافیائی شهر ری به عهدآبادی تألیف‏ دکتر حسین کریمان 1345

55-خیامی‏نامه(جلد اول)تألیف استاد جلال الدین همائی آبان ماه 1346

56-فردوسی و شعر او تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه آبان ماه 1346

57-خردنامه تألیف و نگارش ابو الفضل یوسف بن علی مستوفی به کوشش‏ آقای عبد العلی ادیب برومند فروردین 1347

58-فرهنگ واژه‏های فارسی در زبان عربی تألیف آقای سید محمد علی‏ امام شوشتری تیر ماه 1347

59-کتابشناسی فردوسی،فهرست آثار و تحقیقات دربارهء فردوسی‏ و شاهنامه،تدوین آقای ایرج افشار مرداد 1347

60-روزبهان‏نامه به کوشش آقای محمد تقی دانش‏پژوه اسفند 1347

61-کشف الابیات فردوسی(جلد اول)به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی اردیبهشت 1348-

ق-62-زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمد علی‏ اسلامی ندوشن خرداد 1348

63-آثار باستانی کاشان و نطنز تألیف آقای حسین نراقی مهر 1348

64-بزرگان شیراز تألیف آقای رحمت اللّه مهراز آبان 1348

65-آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای همان‏ تألیف آقای احمد اقتداری آذر 1348

66-تاریخ بناکتی به کوشش دکتر جعفر شعار دی 1348

67-عهد اردشیر برگرداننده به فارسی سید محمد علی امام شوشتری دی 1348

68-یادگارهای یزد(جلد اول)تألیف آقای ایراج افشار بهمن 1348

69-ری باستان(مجلد دوم)تألیف آقای دکتر حسین کریمان خرداد 1349

70-از آستارا تا استارآباد(جلد اول بخش اول)-آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‏پس، تألیف دکتر منوچهر ستوده تیر 1349

71-یادنامهء فردوسی حاوی مقالات و چکامه‏ها به مناسبت تجدید آرامگاه حکیم‏ ابو القاسم فردوسی آبان 1349

72-فردوسی و شاهنامهء او به اهتمام آقای حبیب یغمائی آذر 1349

73-فیلسوف ری،محمد بن زکریا رازی تألیف آقای دکتر مهدی محقق آذر 1349

74-سرزمین قزوین تألیف آقای دکتر پرویز و رجاوند آذر 1349

75-یادنامهء شادروان سید حسن تقی‏زاده به اهتمام حبیب یغمائی بهمن 1349

76-ذخیرهء خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابو ابراهیم اسماعیل جرجانی سنهء 504 هجری به اهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی-(کتاب دوم)بهمن 1349

77-نظری اجمالی به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‏شناسی آن‏ تألیف آقای دکتر محمد جواد مشکور بهمن 1349

78-تاریخچهء ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان نوشتهء آقای‏ یحیی درگاه فروردین 1350

79-کشف الابیات شاهنامهء فردوسی-جلد دوم-به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی خرداد 1350

80-آثار باستانی و تاریخی لرستان-جلد نخست-تألیف آقای حمید ایزدپناه تیر 1350

81-در دربار شاهنشاه ایران،تألیف 1.کمپفر آلمانی-ترجمهء آقای گیکاووس جهانداری مرداد 1350

82-نگاهی به شاهنامه،تألیف آقای پروفسور فضل اللّه رضا شهریور 1350

83-مونس الاحرار فی دقایق الاشعار(جلد 2)تألیف محمد بن بدرجاجرمی به سال 741 هجری با تحشیه و تفسیر آقای میر صالح طبیعی شهریور 1350

84-مقدمه‏ای بر شناخت اسناد تاریخی تألیف سرهنگ دکتر جهانگیر قائم‏مقامی شهریور 1350

85-فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر رضازادهء شفق مهر 1350

86-دانش و خرد فردوسی فراهم‏آوردهء دکتر محمود شفیعی مهر 1350

87-وقفنامهء ربع رشیدی(چاپ عکسی)از روی نسخهء مورخ به سال 709 قمری‏ زیر نظر آقایان مجتبی مینوی و ایرج افشار اسفند 1350

88-ذیل جامع التواریخ رشیدی تألیف حافظ ابرو مورخ دوران تیموری با مقدمه‏ و تعلیقات آقای دکتر خانبایا بیانی اسفند 1350-

ق-89-از آستارا تا استارآباد(مجلد دوم)آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‏پیش‏ تألیف دکتر منوچهر ستوده خرداد 1351

90-نصیحة الملوک تألیف امام محمد غزالی با مقدمه و تصحیح تحشیهء استاد جلال الدین همائی آذرماه 1351

91-آثار باستانی آذربایجان(جلد اول-شهرستان تبریز)تألیف آقای عبد العلی کارنک آذر ماه 1351

92-مجموعهء انتشارات قدیم انجمن دی ماه 1351

93-مجموعهء مقالات فروغی دربارهء شاهنامه و فردوسی باهتمام آقای حبیب یغمائی بهمن ماه 1351

94-داستان داستانها-رستم و اسنفدیار-تنظیم متن و شرح و توضیح از دکتر محمد علی اسلامی ندوشن اسفند ماه 1351

95-فردوس در تاریخ شوشتر تألیف علام الملک حسینی شوشتری(قرن 11 هجری) با مقدمه و تصحیح و تعلیق آقای جلال محدث خرداد ماه 1352

96-تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری تألیف دکتر محمد جواد مشکور تیر ماه 1352

97-ذخیرهء خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابو ابراهیم اسمعیل جرجانی سنه 504 هجری باهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی شهریور 1352

98-ترجمه یک فصل از آثار الباقیه ابو ریحان بیرونی بخامه علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه و ملا علی محمد اصفهانی بکوشش آقای اکبر داناسرشت‏ با مقدمه و الحاقانی از ایشان آبان 1352

99-مادها و بنیانگذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران تألیف آقای‏ جلیل ضیاءپور بهمن 1352

100-سیر فرهنگ ایران در بریتانیا با تاریخ دویست ساله مطالعات ایرانی‏ تألیف آقای دکتر ابو القاسم طاهری اسفند 1352

101-آثار ملی اصفهان تألیف آقای ابو القاسم رفیعی مهرآبادی اسفند 1352

102-سیراف(بندر طاهری)تألیف آقای غلامرضا معصومی اسفند 1352

103-فرهنگ فارسی به پهلوی تألیف آقای دکتر بهرام فرموشی استاد دانشگاه تهران فروردین 1353

104-کتاب‏شناسی کتابهای خطی تألیف شادروان دکتر مهدی بیانی استاد دانشگاه تهران‏ به کوشش آقای حسین محبوبی اردکانی خرداد 1353

105-تاریخ بافت قدیمی شیراز تألیف آقای کرامت اللّه افسر مرداد 1353

106-فرار از مدرسه دربارهء زندگی و اندیشهء ابو حامد غزالی تألیف آقای دکتر عبد الحسین زرین‏کوب مرداد 1353

107-بیرونی‏نامه-پژوهش و نگارش آقای ابو القاسم قربانی مهر ماه 1353

108-جامع جعفری-تاریخ یزد در دوران نادری و زندیه و عصر سلطنت فتحعلیشاه‏ تألیف محمد جعفر بن محمد حسین نائینی متخلص به«طرب»به کوشش‏ آقای ایرج افشار آبان 1353

109-کتاب التفهیم لاوائل سناعة التفحیم،تألیف ابو ریحان محمد بن احمد بیرونی‏ خوارزمی،با تجدیدنظر و تعلیقات و مقدمهء تازه به خامهء استاد جلال الدین همائی دی ماه 1353

110-(دیار شهریاران)آثار و بناهای تاریخی خوزستان جلد نخستین بخش اول- تألیف آقای احمد اقتداری خرداد 1354-

تشکیل کنگره‏های جهانی باستان‏شناسی و تاریخ هنر ایران

اهمیت تمدن و فرهنگ باستانی ایران و انتشار آن در سراسر جهان موجب شد که کنگره‏های جهانی باستانشناسی و هنر ایران هر چند سال یکبار در یکی از کشورها تشکیل گردد و در مورد لزوم تشکیل‏ این کنگره‏های جهانی بهتر است از زبان جناب آقای دکتر عزت اله‏ نگهبان رئیس پنجمین کنگرهء جهانی باستانشناسی و هنر ایران‏ بشنویم:

«از چند قرن پیش فرهنگ کهن و هنر والای دنیای باستان یعنی‏ منطقه خاورمیانه و نزدیک مورد توجه دانشمندان و سیاحان جهان

ق-111-(دیار شهریاران)آثار و بناهای تاریخی خوزستان جلد نخستین بخش دوم- تألیف آقای احمد اقتداری خرداد 1354

112-احوال و اقوال شیخ ابو الحسن خرقانی بضمیمهء منتخب نور العلم تألیف‏ آن عارف بزرگوار،باهتمام استاد مجتبی مینوی تیر ماه 1354

113-شرح احوال و آثار و دوبیتی‏های بابا طاهر عریان به انضمام شرح و ترجمه‏ کلمات قصار وی منسوب به عین القضاة همدانی(؟)با اصل و ترجمهء کتاب‏ (الفتوحات الربانیة فی مزج الاشارات الهمدانیه)بشرح و تفسیر محمد بن ابراهیم‏ مشهور به خطیب وزیری بکوشش دکتر جواد مقصود.شهریور 1354

114-کتاب«الغارات»تألیف ابو اسحق ابراهیم بن محمد بن سعید لقفی کوهی‏ اصفهانی باهتمام و تصحیح استاد میر جلال الدین محدث(بخش نخست)شهریور 1354

115-کتاب«الغارات»بشرح مذکور در شمارهء 114(بخش دوم)شهریور 1354

116-یادگارهای یزد(جلد دوم شهر یزد)تألیف ایراج افشار شهریور 1354

117-تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس از دوران فرمانروائی‏ مغولان تا پایان عهد قاجاریه جلد اول تألیف دکتر ابو القاسم طاهری مهر ماه 1354

118-«از آستارا تا استارباد(مجلد ششم)شامل اسناد تاریخی گرگان بکوشش‏ آقایان مسیح ذبیحی و دکتر منوچهر ستوده بخش نخست مهر ماه 1354

119-از آستارا تا استارباد«مجلد هفتم»بشرح مذکور در شماره 118(بخش دوم)آذر ماه 1354

120-سفرنامه حکیم ناصر خسرو به کوشش و تصحیح دکتر محمد دبیر سیاقی بهمن ماه 1354

121-آثار باستانی خراسان-جلد اول شامل آثار و ابنیه تاریخی اردیبهشت ماه 2535 شاهنشاهی‏ جام و نیشابور و سبزوار اثر آقای عبد الحمید مولوی(1355 خورشیدی)

122-تاریخ باستانی ایران بر پایهء باستان‏شناسی تألیف پرفسور اردیبهشت ماه 2535 شاهنشاهی‏ ارنست هرتسفلد ترجمهء علی اصغر حکمت استاد ممتاز دانشگاه تهران(1355 خورشیدی)123-آثار باستانی و تاریخی لرستان(جلد دوم تألیف آقای خرداد ماه 2535 شاهنشاهی‏ حمید ایزدپناه(1355 خورشیدی)

قرار گرفت.جهانگردان و علاقمندان،داستان مسافرتهای خود را همراه با تصاویر شاهکارهای معماری و هنری این منطقه از جهان‏ برشته تحریر درآوردند.آثار باستانی و شاهکارهای هنری که معرف‏ فرهنگ و تمدن ارزنده گذشته این سرزمینها بود بتدریج به قاره‏ اروپا راه یافت و در موزه‏ها قرار گرفت و انگیزه مطالعه و تحقیق‏ راجع بدانها را بوجود آورد.سپس هیئتهائی برای جمع‏آوری بیشتر این آثار و همچنین بمنظور بررسی و تحقیق در مورد شناسائی اقوام‏ باستانی بخاور نزدیک و میانه اعزام گردیدند.حاصل دو یا سه قرن‏ بررسی و حفاری،تحقیق و مطالعه و کوشش مداوم باستانشناسان‏ بالاخره نتیجه‏ای نیکو ببار آورد و از اوئل قرن بیستم بتدریج‏ باستانشناسی در چهارچوب یک نظام صحیح قرار گرفت و بعنوان یک‏ رشته علمی جای خود را در دانشگاه‏های جهان باز نمود.بمنظور عرضه بررسیها و تحقیقات باستانشناسی و هنر زیبای باستان و تبادل نظر بین دانشمندان هرچند سال یکبار کنگره‏های بین المللی‏ تشکیل گردید.

ایران که در پیشرفت و سیر تکامل تمدن بشری سهم بسزائی‏ داشت یکی از مراکز مهم بررسیها و حفریات باستانشناسی و تحقیقات‏ هنری گردید.بقایای باستانی که در پهنه کشور ما بصورت‏ هزاران هزار تپه‏های باستانی،بناهای تاریخی و شاهکارهای هنری‏ وجود داشت یکی پس از دیگری کشف گردید و بزودی ثابت شد که‏ در دل خاک سرزمین گوهرپرور ما مدارک ارزنده و گرانبهائی درباره‏ سیر تکامل تمدن جهان و میراث عظیم یک فرهنگ کهن و والای بشری‏ نهفته است.وجود چنین گنجینه عظیم تمدن و فرهنگ انسانی که‏ از نیاکان ما در فراخنای این سرزمین باقی مانده است بزودی مقام و موقعیت خاص و والائی در این زمینه به کشور ما داد و بررسیها و تحقیقات باستانشناسی و هنر ایران مکتب خاصی را بوجود آورد».

به همین سبب لزوم تشکیل کنگره‏های جهانی باستان‏شناسی و هنر ایران در میان طبقات روشنفکر و ایرانشناس و هنردوست و دانشمند به شدت احساس شد تا جائی‏که آقای پروفسور آرتور اپهام‏پوپ‏ Pro-Arthur Upham Pope و پروفسور جان‏شاپلی اولین کنگرهء جهانی‏ باستان‏شناسی و هنر ایران را در سال 1926 میلادی(2486 شاهنشاهی) در فیلادلفی امریکا تشکیل دادند و نخستین گام را در پیشبرد و شناسانیدن هنر و تمدن کشور ایران برداشتند.

به هنگام تشکیل اولین کنگره جهانی هنر و باستان‏شناسی ایران، میراث باستانی و تمدن باعظمت این کشور کهن‏سال دانشمندان‏ ایرانشناس و باستانشناسان را سخت تحت تأثیر قرار داد زیرا کلیهء نتایج حفریات دانشمندان بزرگی مانند ژان‏دمرگان Jean de Morgon و سراورل‏استین Sir Aurelstein و دیولافوا در این کنگره بررسی‏ شد و آثار هنری ایران از امتیاز بینظیر و ویژه‏ای برخوردار گردید. شادروان تقی‏زاده و علی‏اکبر کاشف به نمایندگی از طرف دولت‏ شاهنشاهی ایران در این کنگره شرکت کردند.علاقه‏مندان‏ به تمدن و فرهنگ ایران فقط از طریق مطبوعات و مقالاتی که در این‏ زمینه نوشته شد به عظمت این کنگره پی بردند.

دومین کنگره در سال 1931 میلادی(2491 شاهنشاهی)در لندن تشکیل گردید و نمایشگاه آن در ساختمان بورلینگتن توسط جرج پنجم پادشاه انگلستان گشایش یافت در این کنگره روسای‏ هیئت‏های حفاریهای علمی مانند شوش(مسیودمکنم Roland De Mecquenmen تخت‏جمشید(پروفسور ارنست هرزفلد)سیلک کاشان وگیان نهاوند (دکتر کنتنو Dr-Contenue و پروفسور گیرشمن Pro-Roman Ghirshman حصار دامغان و چشمه علی‏ری(پروفسور اریخ‏اف اشمیدت امریکائی‏ Pro-Erich-F Shmidt و شاه‏تپهء گرگان(پروفسور آرن T.AL.J.Arne سوئدی)که سالهای متوالی در محل‏های یادشده بکاوش و بررسی‏ پرداخته بودند شرکت داشتند و دانشمندان مذکور نتایج حفریات‏ خویش را در این کنگره طی سخنرانیهای خود عرضه داشتند و از

طرف دولت شاهنشاهی ایران وزیر فرهنگ وقت آقای اعتماد الدوله‏ و شادروان حسین علاء وزیر مختار ایران در پاریس و محمد قزوینی‏ و محسن مقدم و شادروانان دکتر مهدی بهرامی و مسیو اندره‏ گدار و آقای دولت‏آبادی برای شرکت در این کنگرهء جهانی به‏ لندن اعزام شدند.

در این کنگره بخش بزرگی از تاریخ و تمدن وسیع ایران روشن‏ گردید و دانشمندان ایرانی از نزدیک شاهد اعتلای ایران عزیمت‏ بودند و از نتایج کاوشهای علمی هیئتهای اروپائی و امریکائی آگاهی‏ حاصل نمودند.

سومین کنگره جهانی هنر و باستان‏شناسی ایران در سال 1935 میلادی شهریور ماه 2494 شاهنشاهی در شهرهای لنینگراد و مسکو برگزار گردید و به سبب پیشرفت حفاریها در ایران این کنگره با شور بیشتر و شکوه زیادتری برگزار شد.

از طرف دولت شاهنشاهی هیئتی مرکب از:شادروانان دکتر لطفعلی صورتگر-حسین طاهرزادهء بهزاد رئیس مدرسه هنرهای‏ زیبا)-مهدی دیبا(شعاع الدوله)وزیر مختار سابق ایران در هلند (نیای پدری علیاحضرت شهبانو فرح)-عباس مسعودی-ساعد مراغه‏ای-اندره‏گدار-دکتر پرتو اعظم(حکیم اعظم)-حسنعلی‏ وزیری-مسعود معاضد-سلیمان سپهبدی-دکتر مهدی بهرامی‏ و آقاین علی اصغر حکمت-دکتر عیسی صدیق-دکتر علی‏اکبر سیاسی-تقی اعتصام سید محمد تقی مصطفوی و محسن مقدم در این‏ کنگره شرکت داشتند.

در سال 1313 خورشیدی مطابق با 2493 شاهنشاهی‏ مکاتبه در مورد تشکیل سومین کنگرهء جهانی هنر و باستانشناسی‏ ایران در لنینگراد بین مقامات فرهنگی دولت ایران و نخست‏وزیر وقت و وزارت امور خارجه انجام گرفته است که عینا مبادرت با درج کلیشهء آنها میگردد:

در اولین نامه که وزیر امور خارجه وقت به نخست‏وزیر وقت نوشته‏ و رونوشت آنرا به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه‏ فرستاده چنین آمده است:

در پانزدهم شهریور ماه سال 1313 خورشیدی(2493 ش) از طرف ادارهء عتیقات نامه‏ای در مورد تشکیل کنگره و نمایشگاه‏ لنینگراد به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه نوشته شده‏ که متن آن چنین است:

روز 25 شهریور ماه سال 2493 شاهنشاهی وزارت اوقاف‏ معارف‏نامه‏ای برای کسب تکلیف در مورد تشکیل نمایشگاه لنینگراد و شرکت ایران در آن به نخست وزیر وقت نوشته است که نخست‏وزیر نیز پاسخ آن را در تاریخ 29 شهریور ماه به وزارت معارف چنین‏ داده است:

وزیر معارف به ادارهء عتیقات دستور مطالعه و اقدام در مورد نامهء وزارت امور خارجه داده و آقای اندره‏گدار نیز نامه‏ای به وزارت‏ معارف و اوقاف نوشته که عینا در ذیل باطلاع میرسد:

پنجم آذر ماه سال 1313(2493 شاهنشاهی)از سفارت کبرای‏ شاهنشاهی ایران در مسکو نامه‏ای به وزارت امور خارجه به امضای‏ شارژ دافر در مورد تشکیل نمایشگاه لنین‏گراد نوشته می‏شود که‏ عینا رونوشت آن را وزیر امور خارجه برای وزارت معارف و اوقاف‏ فرستاده است:

بار دیگر وزارت امور خارجه نامه‏ای به شرح ذیل به وزارت‏ معارف و اوقاف نوشته که در آن شرکت دولت شاهنشاهی ایران را در کنگرهء لنینگراد مفید دانسته است:

در بیست و نهم دیماه سال 1313 مجددا از وزارت معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه نامه‏ای نوشته می‏شود و نماینده وزیر امور خارجه را برای مذاکره در کمیسیونی به ادارهء عتیقات وزارت‏ معارف دعوت می‏کنند:

و در تاریخ 14/11/1313 خورشیدی آقای علی اصغر حکمت کفیل وزارت معارف و اوقاف وقت نامه‏ای بشرح زیر به وزارت‏ امور خارجه نوشته و تصمیماتی را که در دومین جلسهء کمیسیون راجع‏ بمطالعه دربارهء شرکت دولت ایران در نمایشگاه صنایع ایران در لنینگراد اتخاذ شده بود توضیح داده است:

گشایش سومین کنگرهء هنر و باستانشناسی ایران:

روز چهارشنبه 19 شهریور ماه سال 1314 خورشیدی‏ (11 سپتامبر 1935 میلادی ساعت 4 بعدازظهر در تالار نمایش‏ موزهء ارمیتاژ سومین کنگرهء جهانی هنر و باستانشناسی ایران با نطق مشروح آقای بوبنف کمیسر فرهنگ اتحاد جماهیر شوروی‏ گشایش یافت.آقای بوبوف از دولت ایران و انجمن آثار ملی تشکر کرد که آثار نفیسی به لنینگراد جهت نمایشگاه ارسال داشته‏اند. سپس آقای علی اصغر حکمت رئیس هیئت نمایندگی دولت ایران‏ در کنگرهء و وزیر معارف وقت کشور ایران سخن گفت و از اقدام‏ دولت شوروی در انعقاد سومین کنگرهء جهانی و تشکیل نمایشگاه‏ در ارمیتاژ و نمایندگان و دانشمندان کشورهای مختلف که در طرف ولت ایران تعدادی از اشیاء باستانی که در کاوشهای علمی‏ کشور ایران بدست آمده بود به موزهء ارمیتاژ اهداء کرد.آنگاه‏ آقای پروفسور زاره (Sarre) آلمانی رئیس سومین کنگرهء بین‏ المللی هنر و باستانشناسی ایران از دولت شوروی و اولیای موزهء ارمیتاژ بویژه رئیس آن موزه آقای پروفسور اوربلی (Orveli) که باعث برگزاری کنگرهء سوم شده بودند بزبان انگلیسی تشکر کرد.

در سومین کنگرهء جهانی هنر و باستان‏شناسی ایران شیواترین‏ و پرمغزترین کلام را پروفسور آرتور اپهام‏پوپ بیان کرد و خلاصه‏ آن‏چنین است:«از نمایشگاه فیلادلفی در 1927 برنامهء روشن و معینی برای بسط مطالعه نسبت به هنر و باستان‏شناسی ایران‏ طرح‏ریزی شد.برنامهء مذکور مبتنی بر این ایمان راسخ بود که‏ هنر و فرهنگ ایران برای دنیا اهمیت مخصوص دارد و در فرهنگ

آسیا نقشی مهمتر و مؤثرتر از آن داشته است که تاکنون تصور رفته است.

از زمان قبل از تاریخ همواره نفوذ مثبت و سازنده‏ای از ایران‏ ساری و جاری بوده که در فرهنگ اروپا تأثیر قطعی داشته و بعضی‏ از قسمت‏های مهم تمدن مغرب زمین مدیون افکار و فنونی است که‏ از سرزمین ایران تراوش کرده....کلمات متین سرجان‏مارشال‏ (Sir John Marshall) مدیرکل باستان‏شناسی هند که کتاب معروف‏ «تمدن سند»را منتشر ساخت و از دانشمندان بزرگ جهان است‏ روزبروز بیشتر مورد تأئید قرار میگیرد،آنجا که نوشته است: «هنر ایران در تمدن دنیا نقشی مداوم‏تر و اساسی‏تر از هر کشور دیگر حتی یونان داشته است.»پروفسور پوپ اضافه کرد که برای‏ هماهنگ کردن مطالعات دانشمندان متعدد در کشورهای مختلف‏ و همکاری بین آنان و تسهیل وسایل کار تصمیم گرفته شد بتأسیس‏ انجمن بین المللی و تشکیل دومین کنگره و نمایشگاه لندن در سال‏ 1931 و اینک سومین کنگره در لنینگراد بر استحکام مبانی انجمن‏ می‏افزاید.»نکتهء جالب دیگری که پوپ اشاره به آن کرد این بود: «تصمیم دلیرانه به حفظ میراث فرهنگی و معنوی در مقابل حوادث‏ و سوانح روزگار شاید یک نوع خوش‏بینی بیدلیل بنظر آید ولی‏ تاریخ،این حقیقت را به ثبوت رسانیده و تاریخ ایران بالاخص‏ نیرو و دوام اثر،این معنی را ثابت کرده است،زیرا در سراسر تاریخ آن کشور حقیقت قابل توجه اینست که علی‏رغم یک سلسله‏ بلیات باورنکردنی که هر کشوری را بکلی محو میکرد فرهنگ ایران‏ باقی مانده و همواره ایران تجدید حیات کرد.جنگهای کنونی گر چه سهمناک است ولی از وحشت کامل تخریب و انهدام مهاجمات‏ مغول(که چون طوفان و بلای سریع پشت یکدیگر بوقوع پیوست) هیچ بلیه‏ای ممکن نیست مخرب‏تر و مهلکتر باشد.مهاجمات مغول

می‏بایست منطقا ایران را بکلی محو و نابود کرده باشد،معذالک، ایران جاودان ماند و بعد از هر بلیهء عظیمی رستاخیزی صورت‏ گرفت.تاریخ ایران بما اطمینان میدهد که معتقد به نور باطنی‏ باشیم و بمبانی اساسی تمدن خدمت کنیم زیرا در صورت اتخاذ این روش و توأم بودن آن باشجاعت و سخاوت انسان طبعا بر همهء مشکلات غلبه خواهد کرد.»

اعضای هیئت ایرانی در روزهای مختلف این کنگره هر یک‏ سخنانی در مورد روشنکردن تمدن باستانی و فرهنگ ملی ایران‏ ایراد کردند آقای دکتر عیسی صدیق دربارهء هنر در ایران نوین، آقای دکتر علی اکبر سیاسی دربارهء قریحهء ایرانی و مبارزهء آن با اسلام،آقای سید محمد تقی مصطفوی دربارهء آخرین کاوشهای تخت‏ جمشید،آقای محسن مقدم دربارهء آغاز هنر در ایران،مسیو اندره‏ گدار دربارهء مساجد قدیم ایران،شادروان دکتر مهدی بهرامی‏ دربارهء جمع و ترتیب کاشی‏های دامغان از روی کتیبه،آقای مهدی‏ دیبا دربارهء نقاشیهای مذهبی(شمایل)و شادروان طاهرزادهء بهزاد دربارهء وسایل و طرز کار یک نقاش ایرانی سخنرانی‏هائی ایراد کردند.

روز 26 شهریور ماه سال 2494 شاهنشاهی(18 سپتامبر 1935 میلادی)پروفسور اوربلی رئیس موزهء ارمیتاژ نطق پایان کنگره‏ را ایراد کرد\*

سومین کنگرهء جهانی هنر و باستانشناسی که در(شهریور ماه‏ 2594 شاهنشاهی)(سپتامبر سال 1935 میلادی)در لنینگراد تشکیل شده بود با موفقیت به کار خود پایان داد و 26 سال طول‏ کشید تا کنگرهء بعدی در شهر نیویورک تشکیل گردد.

(\*)-برای آگاهی بیشتر در این زمینه به کتاب(یادگار عمر)خاطراتی از سرگذشت‏ دکتر عیسی صدیق صفحهء 263 جلد دوم آبانماه سال 1345 خورشیدی مراجعه‏ شود.

چهارمین کنگرهء جهانی هنر و باستان‏شناسی ایران در شهر نیویورک-فیلادلفیا و واشنگتن تشکیل گردید.سال 1961 میلادی‏ (2520 شاهنشاهی)سال شناخت ایران از نظر هنری و فرهنگی‏ در دنیا بود.زیرا در این سال کنگرهء چهارم در امریکا تشکیل‏ گردید و اغلب باستان‏شناسان و دانشمندانی که در زمینهء آثار و تمدن و هنر ایران صاحب نظر بودند در این کنگره شرکت داشتند. فعالیتهای مداومی در زمینهء باستان‏شناسی در محل‏های مختلف‏ ایران انجام گرفته بود بخصوص باستان‏شناسان ایرانی به یاری‏ دانشمندان خارجی حفاریهای علمی و مفیدی در نقاط مختلف‏ کشور انجام داده بودند و نیز خود مستقلا کاوش میکردند،مثلا آقای محسن مقدم در شمال ایران(املش-رحمت‏آباد-رودبار) و آقای دکتر عزت اله نگهبان در چراغعلی تپه(مارلیک)و آقای‏ مهندس علی حاکمی در تپه موشلان اسماعیل‏آباد و حسنلو و فرمشگان‏ فارس کاوشهائی بعمل آورده بودند و حفاریهای تجارتی نیز به‏ تعداد قابل ملاحظه‏ای انجام گرفته بود و هیئت‏های خارجی نیز کماکان در نقاط مختلف کشور به کاوشهای علمی خود ادامه میدادند، و نتایج کلیهء حفاریها و بررسیهای علمی در این گردهم‏آئی علمی‏ برای همگان روشن گردید.

در نتیجهء فعالیتهای مداوم باستان‏شناسان ایرانی یاد شده نیز توانستند در چهارمین کنگرهء جهانی هنر و باستان‏شناسی ایران‏ سخنرانیهای جالبی ارائه دهند و تمدن درخشان و فرهنگ کهنسال‏ ایران عزیز را بهتر و بیشتر به جهانیان بشناسانند.

اعضای شرکت‏کننده در این کنگره آقایان دکتر عیسی صدیق- مجتبی مینوی-شادروان دکتر سید فخر الدین شادمان-دکتر مهدی‏ فروغ-دکتر عزت اله نگهبان-محسن مقدم سید محمد تقی مصطفوی و شادروان دکتر مهدی بیانی بودند.در روز پایان کنگره چهارم‏ تشکیل کنگرهء پنجم در تهران تصویب شد و قرار ملاقات را در سال 1968 میلادی در تهران گذاشتند.

گشایش پنجمین کنگرهء جهانی باستانشناسی و هنر ایران

کنگرهء پنجم جهانی هنر و باستان‏شناسی ایران در سال 1968 میلادی مطابق 22 فروردین ماه سال 1347 خورشیدی و برابر با 22 فروردین ماه سال 2527 شاهنشاهی در تهران-اصفهان و شیراز تشکیل شد.ریاست پنجمین کنگرهء جهانی هنر و باستان- شناسی با آقای دکتر عزت اله نگهبان استاد دانشگاه و رئیس دانشکده‏ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود.اعلیحضرت شاهنشاه‏ آریامهر در تالار رودکی با شرکت خود پنجمین کنگره هنر و باستان‏شناسی ایران را افتتاح و پیامی به این شرح ایراد فرمودند:

پیام شاهنشاه آریامهر

«پنجمین کنگره جهانی باستان‏شناسی و هنر ایران را با کمال مسرت و خرسندی خاطر افتتاح می‏نمائیم و به دانشمندانی که از سراسر گیتی برای شرکت‏ در این انجمن بزرگ علمی در اینجا گرد آمده‏اند خوش‏آمد میگوییم و امیدواریم که این اجتماع بزرگ علمی کار خود را با موفقیت آغاز کند و به‏ پایان برساند و از آن نتایج ارزنده‏ای در روشن ساختن هرچه بیشتر اصول‏ و مبانی تمدن و فرهنگ جهانی ایران حاصل گردد.

ما اکنون در عصری زندگی میکنیم که نیازمندیهای مادی بشر موجب‏ پیشرفت‏های حیرت‏انگیزی در امور اقتصادی و صنعتی و اجتماعی شده‏ است،این ترقیات شگرف نباید موجب گردد که فعالیتهای علمی درباره‏ تمدن و فرهنگ جهانی که آن نیز بجای خود ارزش و اهمیت حیاتی دارد متوقف شود،بلکه بعکس در چنین زمانی لازم و ضروری است که کوشش‏ عده‏ای از دانشمندان،معطوف بر این باشد تا همگام با پیشرفت‏های تمدن‏ مادی،مردم گیتی را به معنویات و توجه به آنچه که گذشتگان برای آنها به یادگار گذاشته‏اند جلب کند.این بهترین وسیله‏ای است که میتواند آسان‏تر و سریع‏تر کشورها و ملتها را بیکدیگر نزدیک ساخته و بشریت را بکمال‏ مطلوب انسانیت برساند.

در میان تمدنهای کهن گیتی،کشور ایران مظهر و وارث یکی از مدنیتهای باستانی چندین هزار ساله است و آثار و بقایای آن تمدن در پهنه‏ این سرزمین در اثر فعالیت دانشمندان محقق هر روز بیشتر میگردد و پرده‏ از روی نکات تاریک تمدن گذشته و پرافتخار آن بیشتر برداشته میشود و از همین جهت فعالیت مداوم شما دانشمندان که در این کنگره شرکت‏ نموده‏اید و هریک در رشته‏های مختلف باستان‏شناسی و هنر ایران سالیان‏ دراز به بررسی و تفحص پرداخته‏اید برای ما بسیار مغتنم است زیرا بر شما دانشمندان پوشیده نیست که کشور ایران در بنیان‏گذاری تمدن امروزی‏ جهان تا چه حد مؤثر بوده و چه سهم بزرگی داشته است.

ما به این میراث گرانبها و تمدن ارزنده کهنسال خود افتخار میکنیم‏ و میل وافر داریم که کاوشها و بررسیهای فرهنگی توسعه یابد و آثار باستانی به بهترین طرزی حفظ و نگهداری و به جهانیان معرفی گردد و در این خدمت علمی،همکاری شما دانشمندان که نمایندگان مراکز مهم فرهنگی، دانشگاهها و مؤسسات علمی بزرگ جهان و دوستداران واقعی تمدن ایران‏ هستید و عمر گرانبهای خود را صادقانه به این خدمت علمی وقف نموده‏اید برای ما و مردم ایران بسیار گرانبها و مغتنم خواهد بود.

میل داریم این نکته را یادآور شویم که در گذشته نیز عدهء زیادی از دانشمندان در راه معرفی تمدن و فرهنگ باستانی ایران،کوشش‏های‏ فراوان نموده و بنیان‏گذاران این مکتب معنوی بوده‏اند آنها که متأسفانه‏ امروز در میان ما نیستند ولی خدمت پرارزش آنان هرگز فراموش نخواهد شد و ما همواره به آثار گرانبهائی که از خود بیادگار نهاده‏اند با دیده‏ احترام می‏نگریم و به روان آنها درود میفرستیم.

امیدواریم در اثر کوشش و مطالعات و بررسیها و تحقیقات علمی شما دانشمندان،اطلاعات وسیعتری درباره گذشته این سرزمین مدون گردد و این مجمع مهم علمی که از خدمتگزاران واقعی تمدن و فرهنگ بشری است‏ به نتایج بسیار گرانبهائی نائل آید.»

پس از پیام شاهنشاه،شادروان پروفسور آرتور اپهام‏پوپ‏ که عمر خویش را در خدمت به فرهنگ و تمدن ایران گذرانیده و تألیفات بی‏مانند و آثار گرانبهائی در زمینه این خدمت بجا آورده () بهنگام افتتاح پنجمین کنگرهء جهانی هنر و باستانشناسی ایران شاهنشاه آریامهر در تالار رودکی شرکت‏کنندگان را به حضور پذیرفتند در این عکس شاهنشاه و شهبانو نسبت به پروفسور ارتوراپهام‏پوپ و همسرش بانو اکرمن اظهار تفقد میفرمایند.

 () به هنگام افتتاح پنجمین کنگرهء جهانی هنر و باستان‏شناسی ایران در تالار رودکی شاهنشاه و شهبانو پروفسور گریتمن و بانو را مورد تفقد قرار میدهند

() گروهی از دانشمندان و باستانشناسان خارجی و ایرانی شرکت‏کننده‏ در پنجمین کنگرهء جهانی هنر و باستانشناسی ایران در محل موزهء نوبنیاد ایران باستان که محل تشکیل جلسات کنگره بود.

است بیاناتی به این شرح ایراد نمود.26

(26)-سخنان آقای پروفسور ارتورآپهام‏پوپ در جلسهء افتتاحیهء کنگرهء باستان‏شناسی و هنر ایران‏ شاهنشاها: بمناسبت توفیقی که امروز با برآورده شدن آرزوهای دیرین نصیب بسیاری‏ از ما شده خود را مدیون میزبانان صدیق و وفادار ایرانی میدانیم.آنها را بخصوص‏ دوستان وفادار می‏نامم زیرا کمال مطلوب این کنگره عینا همانست که اعلیحضرت‏ شاهنشاه آریامهر در پیام خود بشرح زیر آنرا اساس سیاست ایران جدید اعلام‏ فرموده‏اند:

«اعتماد به دانش محض و ایمان به خدمت انسانی هنر».

این دو مطلب هم برای ما و هم برای ایران که با سرعت هرچه تمامتر پیش‏ میرود حائز اهمیت اساسی میباشد.

موجب کمال افتخار ما است که در موقعیت جدیدی از تجدید حیات ایران‏ شرکت میکنیم که نظیر این تجدید حیات در این مملکت سابقا بارها دیده شده است. این کشور کهن‏سال در دوران چندین هزار سال تاریخ با بردباری و شکیبائی‏ اعجازآمیزی مصائب فراوانی را تحمل کرده و هر بار در پایان هر فاجعه که بظاهر ممکن بود به فنای این ملت منتهی شود یک نیروی سحرآمیز دوران آفریننده‏ای‏ را که به پیروزی کامل منتهی گردیده بوجود آورده است.زمانی نوبت سیادت و عظمت از آن یونان و زمانی از آن روم بوده ولی دوران کوتاه سیادت و بزرگی هریک‏ از این دو کشور با پنجهزار سال دوران خلاقه فرهنگ و هنر ایران قابل مقایسه‏ نمی‏باشد.

مطلبی که واقعا چنانکه باید تاکنون درک شده اینست که همه احساس میکنیم‏ ایران فناناپذیر است.علت این پدیده که در تاریخ جهان نظیری ندارد چیست؟آیا یک نیروی ایمان حیات‏بخش این قسمت از خاک را از بقیه سرزمینها متمایز ساخته است؟

پیشرفت ما را در باستان‏شناسی و هنر میتوان از آنچه که چهل سال پیش یک‏ باستان‏شناس نامی به همکار خود می‏نویسد استنباط کرد.این شخص در سال‏ 1925 در جواب توضیحاتی که همکارش از او خواسته نوشته است:«مسافرت به- ایران نتیجه چندانی ندارد زیرا آنچه بوده و نبوده تاکنون کشف شده است».

پنجاه سال پیش تنها تنی چند کارشناس و دانشمند باهنر ایران آشنائی‏ داشتند.پیوستگی تاریخ ایران مورد قبول نبود و تاریخ این کشور یک رشته از پیش‏آمدهای پرسانحه تلقی میشد.البته زبان و ادبیات فارسی مطالعه شده و مورد مدح و تحسین قرار میگرفت ولی به معماری و هنر ایران توجهی نمیشد و شاید آنرا انعکاسی از فرهنگ و هنر همسایگان یا تقلیدی از آن می‏پنداشتند.با اینهمه حقیقت-

ق-بطور اعجازآمیزی بتدریج خودنمائی کرد.نژادشناسان،زبان‏شناسان و مورخان‏ که وظیفه آنها نه تنها؟؟؟و؟؟؟مطالب و احوال؟؟؟تجدیدنظر دائم در؟؟؟ عقاید سطحی پیشین را از بن اصلاح کردند.پیوستگی تاریخ ایران پیش از پیش‏ آشکار گردید و ثابت شد که مفهوم وحدت هنر و فرهنگ ایران بیش از آنست که‏ تنها با ارتباط به سلسله‏های متغیر حکومت مشهود میگردد.

دوران نوینی آغاز میشد.کارشناسان و موزه‏های بزرگ در بسیاری از کشورها به جمع‏آوری شاهد رهائی پرداختند که بسبب کیفیت بارز خود موجب شد آوازه شهرت ایران و هنر آن بطور روزافزون تقویت شود و در نتیجه نیاز به شناسائی‏ و ارزش‏یابی هنر ایران تدریجا بالا گرفت.مطالعه هنر این سرزمین موضوع‏ روز شد و این مکتب هنری استقلال‏یافته بجای آنکه جزئی از هنر اقوام آسیائی‏ بشمار آید در کنگره‏های بزرگ پنج هزار نفری که فقط چند نفری به آن اعتنا داشتند مطرح گردد احراز شخصیت نمود.چنین شرایطی تشکیل یک کنگره جدید کوچک‏تر آزادتر و خصوصی‏تر با نشریه مفصل‏تر را ایجاب می‏نمود.

هنر ایران در بسیاری از محافل یکی از سبک‏های باعظمت جهان شناخته شده‏ و اثر نیروبخش آن در بسیاری از فرهنگهای دیگر مورد مطالعه عمومی قرار گرفت.

در سال 1931 انجمنی رسما در لندن بریاست آقای حسین علا سفیر ایران‏ تأسیس گردید.اعضای هیئت عامله انجمن انتخاب شده و طرح تشکیل کنگره سوم‏ را تهیه کردند.منظور اصلی از تأسیس این انجمن ایجاد یک سازمان دائمی برای‏ سرپرستی امور کنگره‏ها و تنظیم و چاپ شرح مذاکات و طرح‏ریزی مقدمات تشکیل‏ کنگره‏های بعدی بود.تشکیل دادن و اداره کردن امور مربوط به کنگره‏های متشابه‏ که با فرهنگ کشورهای خاوری سرودار دارند معمولا زیر نظر انجمن‏ها و کانون‏های‏ موجود و قدیمی بین المللی است که علاوه بر این فعالیت‏ها انجام بعضی خدمات را برای اعضای خود نیز عهده‏دار میباشند.

در چنین انجمن‏ها چه‏بسا بحث در مورد جزئیات که ممکن است به انحراف از هدف واقعی کشانیده شود گاهی تا همان حدود کارهای اصلی و مسائل فراوان‏ ولی قابل حل‏وفصل اهمیت پیدا می‏کند.

حجم روزافزون کشفیات علمی و مستند ممکن است استنباطات عمومی و کلی‏ را بلااثر گذاشته دامنه مطالعات فرهنگی را به بحث درباره جزئیات بکشاند که در نتیجه مفاهمی اصلی تدریجا پرده‏پوشی شوند تعیین یک اصل راهنما و یک هدف‏ مشترک که کلیه بررسی‏های فردی باید بطرف آن هدایت شود به این بررسی‏ها جنبه‏ یگانگی و یکرنگی خواهد بخشید و به این ترتیب نه تنها بر میزان پژوهش افزوده خواهخد شد بلکه از پراکندگی مطالب و پاشیدگی آن به اجزاء تخصصی کوچک‏تر جلوگیری‏ بعمل خواهد آمد.

آیا هنر دارای چنان عمق و توانائی و نیروی آمرانه‏ایست که بتوان برای آن‏ یک مفهمم قدرت پیونددهنده تصور کرد؟

فرمایشات شاهنشاه آریامهر دایر بر اینکه:«از طریق پدیده‏های هنری- ادبیات-معماری و صنایع ظریفه بیشتر و بهتر میتوان به خصوصیات ذاتی و-

ق-نهادی ایران پی برده بیان بسیار رسا و ارزنده‏ایست و این قضاوت کاملا مقرون‏ به حقیقت میباشد چه هنر حتی در این دنیای غرق در مادیات شامل آن‏چنان حقایق‏ معنوی است که در جمیع مراحل حیات بشر نفوذ می‏نماید.

این سئوال همواره پیش میآید که نتایج حاصله از کاوشهای باستان‏شناسی‏ و فرهنگ را طبق چه اصولی میتوان ارزش‏یابی کرد.آیا یک روش واحد برای این‏ ارزش‏یابی وجود دارد آیا بررسی‏های ما به یک هدف نهائی منتهی میشود و آیا یک‏ بینش جامع از این بررسی‏ها بدست خواهد آمد؟آیا ما می‏توانیم از مراحل تعیین‏ مقدار و میزان و از مشخصات و خصوصیات حاصله از آزمایشات صرف‏نظر کرده خود را به آخرین مرحله بینائی و درون‏کاوی قاطع و نهائی برسانیم؟ما برای کشف‏ معنای واقعی هنر ایران بایستی با بی‏نظری و بی‏طرفی کامل و با یک روح‏آفرینندگی‏ آماده باشیم.هنر یکی از دلبستگی‏های بسیار ارزندهء انسان است که حتی در اولین‏ مراحل تمدن بشری به خصوصیات ممتازی جلوه‏گری کرده است.

لازم است تایید کنیم که همراه هر واقعیت باید به دنبال معنی رفت همراه هر فهرست باید مفهوم را جستجو کرد همراه هر شرح و تفسیر به درک و استنباط همراه‏ هر سنجش به ارزش‏یابی و همراه مادیات به آرمانها و آرزوها پرداخت و همه این‏ خصوصیات از جمله صفات انسانی میباشند.آنچه که باید مورد بررسی و احترام‏ قرار گیرد همین دسته حقایق‏اند که کمتر ظاهر و نمایان ولی موجودیت غائی و نهائی‏ دارند و بدون آنها زندگی متمایزکننده بشر امکان‏پذیر نیست.در بین جنبه‏های‏ تخصص و تجزیه که با دانش پیش رفته بشری ملازمت دارند کاهش یافته و در تاریکی‏ فرورفته است و معذلک در بهبود دادن قدرت دی ما وظیفه اصلی را عهده‏دار میباشد.تشویق در برقراری نظم و درستی و تمامیت مظهری از وجود همین حقایق‏ است که درعین‏حال از هرج‏ومرج ناشی از احساس و نیازمندیها که زندگی روزانه‏ را تهدید میکند ما را رهائی می‏بخشند.زندگی عاری از ظرافت و زیبائی‏ها یک‏ زندگی تهی و زشت بوده و لیاقت انسانی را ندارد و آنچه مسلم است اینست‏ که در ایران هرگز دورانی عادی از هنر ارزنده و سربلند وجود نداشته است.پس‏ هنر،برآوردن تدریجی الزامی و مطلق یک نیازمندی فطری است.توانائی و نیروی‏ آمرانه آن بستگی به ریشه‏هائی دارد که در اعماق حیات بشری جای‏گزین شده‏ است.هنر بزرگ آزمایش آرمانها را انتقال میدهد تجاربی را که همه میتوانند بکار به‏بندند آماده میسازد از حصارها و موانعی که سیاست و اختلاف زبان و مسلک برپا کرده بسهولت می‏گذرد و در همه سرزمین‏ها با احترام پذیرش یافته و مستقر می‏گردد.تاریخ هنر همچنان‏که(بینیون Binyon اظهار کرده داستان‏ شادکامی انسان است.هنر حقایق را به نحوی بس هیجان‏انگیز افشا می‏کند با شعر خویشی و قرابت دارد و در دوران تاریخ همواره با مذهب بستگی داشته‏ و از ابدیت نوید میداده است.

از لحاظ دلبستگی ایران به ظرافت و زیبائی و حق تقدمی که این سرزمین- روز 27 فروردین ماه سال 2527 شاهنشاهی در جلسه افتتاحیه‏ کنگره اعلام شد که کنگرهء ششم هنر و باستان‏شناسی ایران در آکسفورد تشکیل گردد.

یادنامهء پنجمین کنگرهء هنر و باستان‏شناسی ایران در سال‏ 2531 شاهنشاهی توسط مرکز باستان‏شناسی ایران در دو مجلد بچاپ رسیده است.در این یادنامه متن 109 سخنرانی علمی که‏ بوسیله دانشمندان ایرانی و خارجی دربارهء هنر و باستان‏شناسی‏ ایران ایراد گردیده چاپ شده است.

()وزارت پست و تلگراف و تلفن اقدام به نشر یک تمبر یادگاری به مناسبت برگزاری‏ پنجمین کنگره جهانی باستانشناسی و هنر ایران نمود.روی این تمبر عکس یک‏ کالسکه سفالی دو اسبه از آثار باستانی‏ تپه مارلیک(چراغعلی تپه)چاپ شده است.

ق-بشهادت تاریخ خود برای آن منظور نموده باید در نظر داشت که همزمان با طلیعهء فرهنگ در فلات ایران غریزه عشق به زیبائی بکار می‏افتد و در سالهای 3500 قبل‏ از میلاد با بوجود آمدن ظروف سفالین در شوش و مراکز دیگر توفیق شایانی‏ بدست میآورد.پس از تاخت‏وتاز و استیلای وحشتناک مغولان هنر بجای آن‏که‏ بسمت خاموشی بگراید رونق تازه‏ای یافته و قبل از آنکه خرابه‏های شهر کاشان‏ رفت‏وروب و هموار گردد محراب روح‏افزا و گرانبهای مسجد میدان کاشان را می‏آفرینند.در قرن‏های 13-14 و 16 مردم شهر شیراز که سالیان متمادی در رنج و عذاب بسر می‏بردند چنان اشعار نغزی می‏سرایند که مانند شاهنامه‏ فردوسی روح هنرپرور این سرزمین را زنده و جاویدان نگاه میدارد.

چه‏بسا همین عشق و علاقه جامع و بیکران به زیبائی و جمال اصلی تجدید دائمی‏ نیروی حیاتی شگفت‏آور ایران بوده و به آن حیات جاویدان بخشیده است.

ششمین کنگرهء جهانی هنر و باستانشناسی ایران در سال 1972 میلادی‏ (2531 شاهنشاهی)در شهر آکسفورد انگلستان تشکیل گردید. این کنگره بوسیله پرنسس الکساندرا با پیام ملکه الیزابت گشایش‏ یافت.سپس پرفسور بازیل‏گری Bawzil Gray باستان‏شناس معروف‏ انگلیسی که ریاست این کنگره را به عهده داشت بیاناتی دربارهء کنگره‏های گذشته و اعضای مؤثر آن‏ها و کنگرهء ششم ایراد کرد.

یادنامهء ششمین کنگرهء جهانی هنر و باستان‏شناسی ایران که‏ شامل 30 مقاله در زمینه‏های مختلف هنر و باستان‏شناسی ایران‏ است توسط مرکز باستان‏شناسی ایران در شهریور ماه سال 2535 شاهنشاهی همزمان با تشکیل هفتمین کنگرهء جهانی هنر و باستان‏ شناسی ایران در مونیخ بوسیله مرکز باستان‏شناسی ایران بچاپ‏ رسید.

تشکیل هفتمین کنگرهء بین المللی باستان‏شناسی و هنر ایران

هفتمین کنگرهء جهانی باستان‏شناسی و هنر ایران روز سه‏شنبه‏ شانزدهم شهریور ماه سال 2535 شاهنشاهی با پیام شاهنشاه آریامهر و حضرت رئیس جمهوری آلمان فدرال در شهر مونیخ افتتاح شد. ریاست هفتمین کنگرهء جهانی باستان‏شناسی و هنر ایران با آقای‏ پروفسور رودلف ناومان باستان‏شناسی معروف آلمانی بود.او مدتهای مدیدی در تخت سلیمان(آذربایجان غربی نزدیک تکاب) حفاری کرده است.در این کنگره دانشمندان و باستان‏شناسان سراسر جهان بمدت 6 روز دربارهء آخرین کشفیات و نتایج تحقیقات‏ باستان‏شناسی به بحث و تبادل‏نظر پرداختند.در این کنگره بیش از 600 نفر شرکت داشتند و در حدود 200 سخنرانی دربارهء ایران‏ ایراد گردید.

در این کنگره نیز نتایج آخرین کشفیات و پژوهش‏هائی که‏ دربارهء هنر و باستان‏شناسی ایران انجام گرفته بود ارائه شد و اعضای‏ کنگره آنها را مورد بحث و گفتگو قرار دادند.

پیام شاهنشاه آریامهر

به هفتمین کنگره بین المللی هنر و باستان‏شناسی ایران در مونیخ:

«تشکیل هفتمین کنگره بین المللی هنر و باستان‏شناسی ایران را به‏ دانشمندان عضو این کنگره تبریک میگویم و برای آنان توفیق روزافزون‏ در فعالیتهای پرارزش علمی و فرهنگی که زندگی خود را وقف آن گرده‏اند آرزو می‏کنم.

اکنون درست پنجاه سال از هنگامی‏که نخستین کنگره جهانی هنر و باستانشناسی ایران در شهر فیلادلفیا برگزار شد میگذرد.در این فاصله‏ شهرهای بزرگ دیگری چون لندن،لنین‏گراد،نیویورک،شیراز،آسکفورد میزبان کنگره‏های بعدی بوده‏اند،و امروز این میزبانی را شهر زیبا و بزرگ مونیخ که آشنائی دیرینه با فرهنگ و هنر ایران دارد،بعهده‏ گرفته است.

در این فرصت مایلم به خاطره پرفسور(ارتر اپهام‏پوپ)دوست‏ عالیقدر هنر ایران و خدمتگزار شایسته فرهنگ جهان که برگزاری پنج‏ کنگره اول هنر و باستانشناسی ایران مرهون علاقه و کوشش خستگی‏ناپذیر او بود درود بفرستم.بطوریکه میدانید این همکار بزرگوار شما اندکی پس‏ از پایان پنجمین کنگره درگذشت و طبق آرزو و وصیت خودش برای همیشه‏ در سرزمین ایران به خاک سپرده شد.

همچنین مایلم بمناسبت تشکیل کنگره حاضر در سرزمین آلمان، درود خودم و همه ملت ایران را به دانشمندان عالیقدری که در سالهای‏ ممتد گذشته در اینکشور زندگی علمی خویش را وقف شناختن و شناساندن‏ تاریخ و تمدن و فرهنگ و هنر ایران کردند،ابراز دارم و برای من تذکر این نکته مایه خوشوقتی است که از آغاز قرن هیجدهم تا بامروز آلمان یکی‏ از بزرگترین کانونهای مطالعات ایرانشناسی جهان بوده سات.و دنیای‏ دانش قسمت مهمی از اطلاعات خویش را درباره تمدن و فرهنگ ایرانی‏ باین تحقیقات مدیون است.از هنگامی که کمپفر و نیبوهر برای نخستین بار متون سنگ‏نوشته‏های تخت جمشید را بجهان غرب شناساندند و بدین ترتیب وسیله آنرا فراهم آوردند که گروتفند بنیان‏گذار مکتب علمی‏ ایرانشناسی در آلمان موفق بکشف مفتاح خواندن این خطوط شود تا به‏ امروز سنت پژوهشهای گسترده درباره باستانشناسی و هنر ایران در آلمان ادامه یافته است،و کافی است در اینمورد بکارهای عالی و فراوان‏ کسانی چون زاره و کوهن و هرتسفلد اشاره شود.

امروز بار دیگر دانشمندان ایرانشناس جهان بخصوص کارشناسان‏ هنر و باستان‏شناسی ایران در این مجمع عالی علمی گرد آمده‏اند تا آخرین‏ بررسیهای خود را در این باره به همکاران خویش عرضه دارند.این‏ بررسی‏ها ارمغان ارزنده‏ای نه تنها برای کشورها،بلکه برای همه جهان‏ دانش و فرهنگ است،زیرا روشن‏کننده نکاتی تازه درباره میراث گرانبهای‏ فرهنگ بشری است که جهان امروز همهء رونق و رفاه مادی و معنوی خود را مرهون آن است،فراموش نکنیم که ریشه‏های تمدن عصر حاضر با تمام‏ پیشرفتها و موفقیت‏های حیرت‏انگیز آن در تلاشهای هزاران ساله مردمی‏ نهفته است که آثار بیشمار باستانی و هنری و فرهنگی در گوشه و کنار جهان مظاهر گویای آفرینندگی و سازندگی آنهاست،و هر کوششی که در راه‏ شناخت بیشتر و بهتر این ارزشهای فرهنگی کهن صورت گیرد،کوششی‏ است مستقیما در خدمت به پیشرفت ارزشهای فرهنگی نوین در جهان‏ امروز صورت گرفته است.

برای ملت ایران مایه افتخار است که در این تلاش سازنده نسل‏ها، سهم خود را در طول چندین هزار سال تا آنجا که در امکان خویش داشتند ایفا کرده است.اجتماع کنونی شما دانشمندان عالیقدر کشورهای‏ مختلف که امروز همگی در لوای فرهنگ ایران و فرهنگ جهان گرد آمده‏اید یادآور تازه‏ای بر ارزش این تلاش سازنده است،و من بمناسبت تشکیل‏ چنین مجمع علمی بزرگی،از دولت جمهوری فدرال آلمان که وسیله‏ برگزاری هفتمین کنگره بین المللی هنر و باستان‏شناسی ایران را بنحوی‏ شایسته فراهم آورده است،و از مسئولان تشکیل و اداره این کنگره و دانشمندان و استادان عضو آن و همه دانشگاهها و مراکز ایران‏شناسی‏ کشورهائی که دانشمندان کنگره بدانها وابسته‏اند اظهار امتنان می‏کنم و توفیق همه شما را در حسن برگزاری این کنگره خواستارم.»

در جلسه اختتامیه هفتمین کنگرهء جهانی هنر و باستان‏شناسی‏ ایران باتفاق آراء تصویب کردند که هشتمین کنگرهء جهانی هنر و باستان‏شناسی ایران در سال 1980 میلادی در بلژیک تشکیل گردد.

از آبان ماه سال 2531 شاهنشاهی تا آبان ماه سال 2535 شاهنشاهی‏ همزمان با برگزاری پنجمین جشن فرهنگ و هنر تا نهمین جشن‏ فرهنگ و هنر،پنج نمایشگاه از آخرین کشفیات باستان‏شناسی ایران‏ در موزهء ایران باستان تشکیل گردیده است و ضمن برگزاری این‏ نمایشگاهها پنج مجمع سالانهء کاوش‏ها و پژوهش‏های باستان‏شناسی‏ ایران نیز از طرف مرکز باستان‏شناسی ایران تشکیل گردیده که‏ کاوشکران و باستان‏شناسان ایرانی و خارجی سخنرانی‏های جالبی در زمینه فعالیت‏ها و آخرین کشفیات باستان‏شناسی خود ایراد کردند و این خود کمک قابل توجهی به باستان‏شناسی کشور می‏باشد.

3-تاسیس موزهء ایران باستان و کتابخانهء ملی در تهران:

چنانکه در صفحات گذشته یادآوری شد در تاریخ 25 مهر ماه‏ سال 1306(2486 ش)مطابق با 18 اکتبر 1927 میلادی قرارداد پیشین مربوط به دوران مظفر الدین شاه لغو گردید و منحصر به امتیاز حفاری فرانسه در شوش شد و در عوض دولت ایران تقبل نمود که‏ در تهران یک موزه آثار عتیقه و یک کتابخانهء ملی بسازد و ریاست‏ و مدیریت آنها را به یکنفر فرانسوی واگذار کنند و حداقل دولت‏ ایران تعهد کرد که قرارداد مدیر موزه را تا سه نوبت متوالی‏ هر نوبت به مدت 5 سال تمدید کند.در دنبالهء این موافقتنامه در ظرف‏ چند سال موزهء ایران باستان و کتابخانهء ملی هم در جوار آن ساخته شد

و در اجرای این طرح آقای اندره‏گدار27معمار و مهندس فرانسوی‏ که به عنوان مدیریت موزه و کتابخانه ملی طبق طرح بالا به خدمت دولت‏ ایران درآمده بود مشغول بکار شد و پس از ورود به ایران در سال‏ ()آقای اندره‏گدار (M.Andre?Godard) مدیر و متخصص فرانسوی باستانشناسی‏ ایران.

1308(2488 ش)بشرحی که اشاره شد نقشه ساختمان موزهء ایران‏ باستان و کتابخانهء ملی به عهدهء او محول گردید.

(27)-اندره‏گدار در سال 2488 شاهنشاهی(48 سال پیش)بنا بدعوت‏ ایران برای تاسیس یک موزه و یک ادارهء باستانشناسی و یک کتابخانه ملی و تنظیم‏ فهرست بناهای تاریخی ایران بکشور ما آمد و بیش از 30 سال از عمر خود را در نقش یک معمار و یک باستان‏شناس و یک کارشناس موزه در خدمت به سرزمین ما گذرانید و در سال 2519 شاهنشاهی)به فرانسه بازگشت و چند سال بعد در پاریس درگذشت.

شادروان گدار به هنگام تحصیل در دانشکدهء هنرهای زیبای پاریس وقت‏ خود را در معماری و باستانشناسی خاورمیانه به ویژه ایران صرف کرد و پس از اینکه بایران آمد خدمات شایسته‏ای بکشور ما نمود.فقید نامبرده سازمانهای‏ اداری باستانشناسی-موزه و کتابخانه ملی را تشکیل داد و هیاتهائی نیز ترتیب‏ داد که بناهای قدیمی را تعمیر نمایند.این هیاتها توانستند بناهائی مانند مسجد جامع و مسجد شاه و مسجد شیخ لطف اله و مدرسهء شاه سلطان حسین را در اصفهان‏ تعمیر و مرمت نمایند.شادروان گدار گذشته از خدمات زیادی که به فرهنگ کشور ما کرد مردی دانشمند بود و اقدام به چاپ کتابهای متعدد دربارهء مفرغهای لرستان‏ و گنجینهء زبویه و یک سلسلهء انتشارات بعنوان سالنامهء باستان‏شناسی ایران بنام‏ «آثار ایران»نمود که در پاریس به چاپ رسید و کتاب دیگری نیز با نام(هنر ایران) نوشت که آثار و ابنیهء تاریخی و هنری ایران را در آن بخوبی تشریح کرد.

بدین ترتیب آقای گدار ضمن پیشرفت کارهای ساختمانی‏ موزهء ایران باستان و کتابخانه ملی به سمت مدیر کل عتیقات نیز منصوب گردید.فعالیتهای باستان‏شناسی و نگهداری اشیاء عتیقه‏ زیر نظر او انجام میگرفت.

پس از مطالعهء زیاد برای اینکه بنای موزه با موضوع و اشیاء داخل آن و نیز با تاریخ کشور ایران پیوستگی مداوم و ارتباط داشته باشد،اسلوب معماری ساسانی را در ساختمان آن پیروی‏ کردند.سردر ورودی موزه را به شیوهء طاق‏کسری ساختند و رنگ‏ آجرهای آن نیز به همین منظور برنگ سرخ تیره تعیین شد.

() به هنگام بازگشت آقای آندره‏گدار به فرانسه دانشگاه تهران به افتخار و به پاس خدمات صادقانه‏ مسیو گدار و قدردانی از او ضیافتی ترتیب داد که جناب آقای دکتر مهران وزیر فرهنگ وقت نیز در آن ضیافت حضور داشتند.جناب آقای دکتر منوچهر اقبال رئیس دانشگاه تهران نشان افتخار را بر سینهء مسیو گدار نصب مینمایند.پانزدهم اسفند سال 1338 خورشیدی مطابق با ششم مارس‏ 1960 و برابر با 10 اسفند ماه 2518 شاهنشاهی.

آقای آندره‏گدار ضمن فعالیت‏هائی که در باستان‏شناسی‏ و ساختمان کتابخانه ملی و موزه ایران باستان داشت هیأتهای علمی‏ نیز جهت حفاری و بررسی و تعمیر بناهای قدیمی ترتیب داده‏ بود که به پیشنهاد وزارت اوقاف و معارف وقت عده‏ای از اعضای‏ عتیقات را برای تعمیر بناهای قدیمی به برخی از شهرهای ایران‏ مانند اصفهان مأمور می‏کرد.

چنانکه در سال 1313 خورشیدی(2493 شاهنشاهی)دو ابلاغ مأموریت از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه‏ بعنوان آقای سید محمد تقی خان مصطفوی عضو ادارهء عتیقات صادر شده است که به ایشان مأموریت داده شده جهت نظارت در ساختمان- های اصفهان و مرمت ابنیه تاریخی و جمع‏آوری اطلاعات لازم‏ به اصفهان عزیمت نمایند که عینا در ذیل درج میشود:

پس از بررسیهای زیاد بالاخره از طرف بلدیه(شهرداری) تهران قطعه زمینی در اختیار آقای گدار قرار میگیرد که موزه‏ ایران باستان را در آنجا بسازد و آقای گدار در تاریخ 20 اردیبهشت‏ ماه سال 1313(2493 ش)در مورد کافی نبودن زمین جهت‏ ساختن موزه به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه کتبا پیشنهادی میکند که رونوشت ترجمهء آن عینا در اینجا نقل میگردد:

دستور شروع ساختمان موزه ایران باستان در روز 21 اردیبهشت 13(2493 ش)از طرف مقام وزارت جلیلهء معارف‏ و اوقاف به آقای آندره‏گدار داده میشود و آقای گدار نیز طی‏ نامه‏ای یک روز بعد فورا امکانات و احتیاجات شروع ساختمان‏ موزه را به مقام وزارت متبوعه اطلاع میدهد که دستور مجدد در ذیل همان نامه به گدار داده میشود.فتوکپی ترجمهء نامهء آقای‏ گدار عینا در اینجا چاپ میشود:

وسعت کلیهء زمین واگذاری جهت ساختمان موزه 5500 متر مربع بود که 2744 متر مربع آن را زیربنا فراگرفت.این موزه‏ که دو اشکوبه ساخته شد دارای چندین اتاق در شمال جهت کادر اداری و یک سالن بزرگ جهت سخنرانیها و گردهم‏آئیها بود.یک‏ کتابخانه بزرگ در طبقهء اول موزه و یک اتاق رئیس کتابخانه در شمال سالن کتابخانه ساخته شد.دو سالن بزرگ در طبقهء دوم روی‏ سالن کتابخانه و سالن سخنرانی ساخته شد که یکی را تالار اردبیل‏28 و دیگری را تالار گنجینه نام نهادند.29

برای این موزه چندین قفسهء فلزی جهت نمایش اشیاء سفارس‏ دادند که تا پایان ساختمان موزه قفسه‏ها نیز آماده گردید.تأسیسات‏ حرارت مرکزی و انبارهای رزرو اشیاء نیز در طبقهء زیرین موزه‏ ساخته شد و دو حیاط بسیار زیبا هم در طبقهء همکف(طبقهء اول)جهت‏ روشنائی و نور طبیعی در نظر گرفته شد.

نمایش اشیاء پیش از تاریخ‏30و دورهء تاریخی‏31در طبقهء همکف(طبقهء اول)و اشیاء دورهء اسلامی در طبقهء دوم موزه‏ آغاز گردید.ساختمان موزهء ایران باستان در سال 1316 خورشیدی‏ (28)-اشیائی که در این تالار بنمایش گذاشته شده همان چینی‏هائی است‏ که به هنگام سلطنت شاه عباس کبیر پادشاه بزرگ دورهء صفوی و به سفارش این‏ شاه برای سفره‏خانهء جدش شیخ صفی الدین اردبیلی در چین ساخته شده است. این ظروف چینی مدتها در اردبیل آرامگاه شیخ صفی الدین اردبیلی مورد استفاده‏ قرار میگرفت تا اینکه اعلیحضرت رضا شاه کبیر برای نگهداری این ظروف دستور فرمودند که آنها را از اردبیل به موزهء ایران باستان منتقل سازند.و به همین مناسبت‏ این تالار را نیز بنام«تالار اردبیل»نامیدند.

(29)-بهترین اشیاء از نظر ارزش و زیبائی در این تالار قرار گرفته است.

(30)-اشیاء پیش از تاریخ بیشتر از محلهای،شوش،سیلک کاشان،گیان‏ نهاوند،تل‏باکون،تپهء حصار دامغان،تورنگ تپه و شاه تپه گرگان،تپهء موشلان‏ اسماعیل‏آباد،چشمه علی‏ری،قره تپهء شهریار،چغازنبیل،هفت‏تپه،تپه‏های حسنلو و اطرافش و تپه‏های اطراف کرمانشاهان و هرسین در لرستان کشف گردیده است.

(31)-اشیاء دورهء تاریخی بیشتر از شوش-تخت جمشید-همدان- پاسارگاد-گیلان و کنگاور-...کشف گردیده است.

 (2496 شاهنشاهی)به پایان رسید و موزه برای بازدید مردم آماده‏ گردید.موزهء ایران باستان نخستین موزهء علمی و تاریخی ایران‏ بشمار می‏آید و آثار مربوط به تمدنهای چندین هزار سالهء ایران‏ در آن بمعرض نمایش درآمده است.

() نمای جنوبی موزهء ایران باستان از سوی میدان موزه که به شیوهء ایوان مدائن ساخته شده است.

() سردر ورودی موزه و مجسمهء داریوش بزرگ‏ که در سالهای اخیر از شوش کشف شده‏ است.

 ()پلن موزهء ایران باستان که‏ توسط مسیو گدار طراحی‏ شده است.-

طرح از نیم بیت از اشعار فردوسی‏ که بدین مضمون:

«توانا بود هر که دانا بود»

در سردر ورودی موزهء ایران باستان‏ به خط کوفی تزئینی بطرز برجسته‏ -نمودار است.

()

موزهء ایران باستان به عنوان یک موزهء مادر کلیهء اشیاء عتیقه‏ را که در ایران به عناوین مختلف یافت میشود در خود جا داده و انبارهای‏ موزه نیز مملو از اشیاء باارزش باستانی است که به سبب کافی نبودن‏ محل برای نمایش آنها،فعلا از دید علاقمندان بدور مانده است.

در سالهای اخیر دست‏اندرکاران موزه و تشکیلات مرکز باستان‏ شناسی ایران در صدد برآمدند که سقف دو حیاط کوچک داخلی سالن‏ موزه را که جهت روشنائی طبیعی در آن تعبیه شده بود بپوشانند و طبقهء زیرزمین موزه را که به عنوان انبار و مخزن عتیقات موزه در نظر گرفته شده بود برای بازدید مردم آماده سازند و در حقیقت یک‏ طبقه به موزه ایران باستان اضافه کنند ولی این طرح در عمل‏ به دشواری و ناکامی برخورد.

در ایوان بزرک موزهء ایران باستان در طرفین در ورودی‏ کتیبهء بسیار زیبائی بر سنگ مرمر حاوی اشعاری است که تاریخ‏ بنای موزه را در بر دارد این اشعار را مرحوم محمد تقی بهار (ملک الشعرای خراسانی)استاد دانشگاه تهران سروده است.

اشعار عینا نقل میشود:

در عهد شهنشاه جوانبخت رضا شاه‏ کزوی شده این کشور دیرینه گلستان‏ نخل فتن از پای درافتاد چو برخاست‏ این شاه جوانبخت به پیرایش بستان‏ چون امن شد ایران بره علم کمر بست‏ دانشگه و دانشکده بگشود و دبستان‏ و آنگاه بفرمود که دستور معارف‏ ریزد ز پی موزه چنین نادره بنیان‏ از پهلوی و همت او هیچ عجب نیست‏ کاین کشور فرخنده شود روضة رضوان‏ احسنت زهی موزه کز ایوان بلندش‏ گشته است پر از ریک حسد موزهء کیوان‏ این موزه نمایندهء اعصار و قرون است‏ ممتاز ازاین‏رو شد از امثال وز اقران‏ گنجینهء ذوق است و نهانخانه تاریخ‏ آئینهء علم است و نمایندهء عرفان‏ القصه چو بنیاد شد این موزهء عالی‏ کاز فر شه آباد بماناد بدوران‏ بنوشت بهار از پی تاریخ بنایش (این موزهء عالی شود آرایش ایران)

1314 شرقی

() کتیبهء زیبا در دو طرف سردر و ایوان موزه که سال‏ تاسیس موزه را نشان میدهد.

 () در فاصلهء سالهای 1340 تا 1345 و 2520 تا 2525 شاهنشاهی) هنگامیکه آقای دکتر عزت اله نگهبان مدیر موزهء ایران باستان بود، برای جلوگیری از حفاری‏های غیرمجاز و همچنین تجارت غیر مجاز اشیاء عتیقه فعالیتهای دامنه‏داری ادامه داشت.ضمن این فعالیتها گاهی اشیاء غیرمجاز عتیقه را توقیف میکردند و آنها را به موزه‏ ایران باستان حمل مینمودند.این عکس تعدادی از اشیاء عتیقه‏ غیرمجاز را نشان میدهد که بوسیلهء بازرسان ادارهء کل باستانشناسی‏ از منطقهء شمالی ایران بدست آمده و به وسیلهء موزه‏داران وقت موزهء ایران باستان در دفاتر مخصوص ثبت و به گنجینهء موزهء ایران باستان‏ افزوده گردید.

از زمان تأسیس موزه ایران باستان تاکنون سران بسیاری‏ از کشورها از این موزه بازدید بعمل آورده‏اند که درج اسامی همه‏ آنها در اینجا مقدور نمیباشد.برای نمونه چند نفر از سران‏ کشورها را که از این موزه بازدید نموده‏اند از نظر خوانندگان‏ گرامی می‏گذراند.

() اعلیحضرت ملک سعود پادشاه فقید عربستان سعودی‏ هنگام بازدید موزه ایران باستان‏ توضیحات مربوط به چگونگی بکار بردن مهرها و لولهای دوران پیش از تاریخ ایران در استماع میفرمایند.

 () پادشاه بلژیک و همسرشان در آبان ماه سال 2523 شاهنشاهی از موزهء ایران باستان بازدید فرمودند. خانم سلما مقدم توضیحاتی دربارهء مفرغهای لرستان به عرض میرسانند.

() اعلیحضرت هایلاسلاسی امپراطور اتیوپی در بازدید رسمی خود از کشور شاهنشاهی ایران در شهریور ماه سال 2523 شاهنشاهی از موزهء ایران باستان بازدید فرمودند.خانم سلما مقدم‏ توضیحاتی در مورد سرستون هخامنشی به عرض میرساند.

 ()حضرت ژنرال دوگل در مهر ماه سال 2522 شاهنشاهی از موزهء ایران باستان بازدید فرمودند. آقای محسن مقدم توضیحاتی در مورد مجسمهء سردار اشکانی به عرض میرساند.

() بازدید علیاحضرت ملکهء هند(ژولینا)و پرنسس بکاتریس دختر ایشان در مهر ماه سال 2522 شاهنشاهی از موزهء ایران باستان.آقای محسن مقدم توضیحات لازم را به عرض رسانید.

 ()علیاحضرت ملکه دانمارک و همسرشان‏ بهنگام مسافرت بکشور شاهنشاهی‏ ایران از موزهء ایران باستان بازدید فرمودند.آقای محسن مقدم توضیحات‏ لازم را به عرض میرسانند.15 اردیبهشت ماه سال 2522 شاهنشاهی.

- حضرت رئیس جمهوری آلمان فدرال هانریش لوپکه و بانو در آبانماه‏ سال 2522 شاهنشاهی از موزهء ایران باستان بازدید فرمودند. آقای مهندس عباس مزدا توضیحات لازم را به عرض میرسانند.